

فقط با تعمیق انقلاب، پیروزی بی برگشت انقلاب تأمین می شود



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۴۵
دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با
۱۰ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵:۱۵ ریال

انقلاب بزرگ ۲۲ بهمن، انقلاب ضد -
امپریالیستی، ضد استبدادی و مردمی ایران، که به
رهبری امام خمینی، در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، پس
واژگون ساختن رژیم طاغوتی جبار و دست نشانده
به پیروزی رسید و منجر به تاسیس جمهوری
اسلامی ایران گردید، تاکنون در مبارزه برضد
امپریالیسم به سرکردگی آمریکا و تأمین استقلال،
در دفع انواع توطئه های آمریکا و ضد انقلاب، در
تأمین آزادی های سیاسی و حقوق زحمتکش، که
در قانون اساسی تصریح گردیده، در مبارزه برای
تصرف مواضع سرمایه داری بزرگ وابسته و
بزرگ مالکی، در مبارزه با بورژوازی لیبرال ایران
و شکستن پل سازش با امپریالیسم، سرکردگی
آمریکا، و در دیگرکشتن زندگی سیاسی، اجتماعی،
اقتصادی، نظامی و فرهنگی و غیره، به دستاوردهای
مهم و قابل توجهی نائل آمده است، که ما آنها
را، بمناسبت پایان دومین سال و آغاز سومین سال
پیروزی انقلاب، در شماره ۲۱ بهمن (شماره ۴۴۱)
نامه «مردم» زیر عنوان «دستاوردهای انقلاب، که
از میان آتش و خون بدست آمده...» به تفصیل
برشمریم.

سخت با امپریالیسم، سرکردگی آمریکای جهان -
خوار و خنده گر و غدار است، که بهر قیمتی شده
درصدد بازپس گرفتن ایران است؛ هنوز در ایران
ضد انقلاب فعال است و ریشه کن نشده است؛
هنوز بقایای سرمایه داری بزرگ وابسته و بزرگ -
مالکی وجود دارد و برضد انقلاب فعال است؛ هنوز
بورژوازی لیبرال ایران امیدوار است که بتواند
نقش خود را بعنوان «جاده صاف کن» امپریالیسم
و ضد انقلاب به ثمر برساند؛ هنوز جنگ تحمیلی
رژیم صدام - این دست جنایتکار آمریکایی تجاوزکار
درهم شکسته نشده است؛ هنوز وظایف انجام نکرده
خطیری در زمینه های مختلف باقی است. خلاصه
هنوز باید اقدامات بزرگی را با قاطعیت انجام داد،
تا انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از خطر مصون
گردد، تثبیت و تحکیم شود، به پیروزی قطعی و
بی برگشت نائل آید.

بنظر ما، عمده ترین اقداماتی که باید بدون
تسامح و تعلل برای تأمین پیروزی بی برگشت
انقلاب انجام گیرد، بشرح زیرین است:

در زمینه مبارزه با امپریالیسم،
سرکردگی آمریکا
دشمن اصلی و خطرناکترین دشمن انقلاب
ایران امپریالیسم، سرکردگی آمریکاست، که
«همه گرفتاری های ما از اوست». این واقعیت را
لحظه ای نباید فراموش کرد.
چنانکه میدانیم، آمریکا (در راس تمام دیگر
کشورهای امپریالیستی و نیز دولتهای دست نشانده
خود در منطقه) برای براندازی انقلاب و جمهوری
بقيه در صفحه ۲

**قابل توجه سازمان
مجاهدین خلق ایران**
**«قاسملو» ی جنایتکار
اعتراف میکند**
عبدالرحمن قاسملو، که «مجاهدین خلق»
ظاهراً از ماهیت و نیات وی بیخبرند، طی یک مصاحبه
مطبوعاتی در پاریس - که امپریالیسم خبری
کوشیده است این مصاحبه در جهان سرمایه داری
انعکاس گسترده ای داشته باشد و افکار عمومی
علیه انقلاب ایران تحریک شود - از جمله گفته
است:
«رژیم مالاها باید سرنگون شود»
قاسملو بدین طریق به نقش خود در جهت
تحقق توطئه های امپریالیسم آمریکا، به منابه
متحد جنایتکارانی چون اوبیسی و بختیار، به
منظور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، اعتراف
کرده است.
قاسملو، همچنین افزوده است که با دیگر
گروه های مخالف ایران، متحد میشود و گفته
است:
«نیروهای دمکراتیک در ایران متحد ما
هستند»
(ظاهراً یکی از این «نیروهای دمکراتیک»،
از نظر قاسملو باید «مجاهدین خلق» باشند که
مدتی است از طریق مصاحبه و انتشار نظریات
قاسملو، به تطهیر چهره جنایتکار و مزدور او،
همت گماشته اند.)
قاسملو در این مصاحبه، همچنین توانست
نهایت هراس خود را از بر ملا شدن رابطه
خویش با رژیم جنایتکار صدام حسین - که به
پرکت افشای چهره های حزب توده ایران اظہر -
من الشمس شده است - کتمان کند و در جستجوی
راه فراری، سالوسانه افزوده است:
«با عراق قطع رابطه کرده ایم!»
آیا «مجاهدین خلق»، که دروغ های
قاسملو را در مورد انکار آنهمه اسناد وابستگی
و هرگونه «رابطه همکاری» با ضد انقلابیون
منتشر می سازند و از زبان قاسملو، این حقایق
را «اتهامات ناجوانمردانه، می نامند، در مقابل
اعترافات این مزدور صدام حسین و امپریالیسم
آمریکا، چه پاسخی دارند؟
آیا «مجاهدین خلق»، «متحد» قاسملو
هستند که درصدد «سرنگونی رژیم مالاها»
است؟!)

بمناسبت دومین سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن

همبستگی جوانان شوروی با مبارزه ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم و جوانان ایران تا کید شد

بمناسبت دومین سالگرد انقلاب
۲۲ بهمن، در روزنامه های شوروی
همچنان مقالات فراوانی درباره
این بزرگترین پیروزی تاریخی
مردم ما انتشار می یابد.
روزنامه «کسومولسکا پراودا»،
ارگان «کسومول» (اتحادیه
کمونیستی جوانان) مینویسد:
«دولتهای امپریالیستی، بویژه
ایالات متحده آمریکا، که هنوز
نمی خواهند از دست دادن مواضع
خود را در ایران بپذیرند،

همچنان از مداخله در امور داخلی
ایران دست بر نمی دارند و می -
کوشند تا از پیشبرد دگرگونی -
های اجتماعی و اقتصادی (در این
کشور) جلوگیری بعمل آورند»
بنوشته «کسومولسکا پراودا»
و دیگر رسانه های گروهی اتحاد
شوروی، بمناسبت دومین سالگرد
انقلاب ایران در نقاط مختلف

بجای دشنام و افترا به حزب توده ایران پروتکل مذاکرات محرمانه دولت موقت با برژینسکی را منتشر کنید

دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه
دولت موقت و عضو هیئت نمایندگی دولت موقت
در مذاکرات محرمانه با برژینسکی، طبق
«اخلاق اسلامی» خویش، با یکگیری به دشنام -
گوئی و افترازی به حزب توده ایران مشغول
است.
ما از دکتر ابراهیم یزدی برای چندمین
بار می خواهیم که بجای دشنام گوئی و افترازی
به حزب توده ایران - که عاقبت ندارد -
پروتکل مذاکرات محرمانه با برژینسکی را
برای مردم ایران افشا کند. این عمل - از
جمله - برای مردم ایران روشن خواهد ساخت
که مناسبات دولت موقت با آمریکا چگونه
بوده است؟
ضمناً این سؤال هم برای مردم ایران
 مطرح است که: چرا پس از یکسال و نیم که
از مذاکرات محرمانه با برژینسکی میگذرد،
هنوز پروتکل این مذاکرات منتشر نشده است؟

ما از شوروی بخاطر شناسائی انقلابمان سپاسگزاریم

اعضای هیئت اعزامی از سوی
شورای تبلیغات اسلامی، که برای
تشریح مواضع انقلاب ایران به
شوروی سفر کرده اند، در یک
مصاحبه مطبوعاتی در سفارت ایران
شرکت کردند.
آنانی محمد مگری سفیر
جمهوری اسلامی ایران در شوروی
در این مصاحبه مطبوعاتی گفت:
«شوروی از ابتدا نسبت به

دولت جمهوری اسلامی ایران، برای حل اختلافات خود با جمهوری دمکراتیک افغانستان باید ابتکار را در دست خود بگیرد

صفحه ۲

در ۲ روز گذشته ارتفاعات تته و پاسگاه ژالانه عراق بدست رزمندگان انقلاب افتاد

در ادامه نبرد با تجاوزگران
صدامی، دلاوران مبارز ایرانی
در ۲ روز گذشته ضربات دیگری
برقوای دشمن وارد آوردند.
طبق اطلاعیه شماره ۴۰۵
ستاد مشترک ارتش جمهوری
اسلامی ایران، نیروهای لشکر
۲۸ پیاده سنج در تاریخ ۲۵
بهمن ماه ۵۹، طی عملیاتی موفق
شدند ارتفاعات تته و پاسگاه
ژالانه عراق را تسخیر کنند و
بقیه در صفحه ۷

پاسخ کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه به پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست فرانسه

در پاسخ به پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران
به کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه، بمناسبت شصتمین
سالگرد تأسیس حزب برادر در فرانسه، پاسخ زیر واصل شده
است:
کمیته مرکزی حزب توده ایران
رفقای عزیز!
پیام شادباش حزب شما را بمناسبت شصتمین سالگرد
پایه گذاری حزب کمونیست فرانسه، با شادمانی فراوان، دریافت

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

دام ضد انقلاب که روزنامه «جمهوری اسلامی» در آن گرفتار شد

حمله به نمایندگان دستاوردهای انقلاب در بزم

جز به زیان انقلاب و بسود گسترش تفرقه و بدبینی میان نیروهای انقلابی نیست؟
آیا این منطقی و عاقلانه است که حزبی که ۴۰ سال است برای تامین اتحاد کلیه نیروهای مترقی و انقلابی برای دفاع از استقلال و آزادی ایران می‌رزد و هم‌اکنون نیز صمیمانه و با تمام توان در جهت تحقق شعار «جبهه متحد خلق» تلاش میکند، دست به عملی بزند که نتیجه مستقیم آن ایجاد بدبینی و خصومت در میان مسلمانان انقلابی علیه حزب ماست؟ آیا درک هدف واقعی این توطئه بیش‌رمانه تا به این حد دشوار است؟ آیا نویسندگان «جمهوری اسلامی» نمی‌توانستند بجای انعکاس خصمانه این توطئه - آنهم در همان جبهتی که توطئه‌گران می‌خواستند به جستجوی توطئه‌گر اصلی برخیزند، آنرا بیابند و توطئه تفرقه‌افکنی را در صفحات خویش افشا کنند؟ ما ضمن تکذیب قاطع توطئه دفرجه مشق، باردیگر تکرار و تاکید می‌کنیم: ما در دام ضدانقلاب نمی‌افتیم و تمام نیروی خود را برای زدودن سوء تفاهات و بدبینی‌ها میان نیروهای انقلابی مسلمان و پیروان راستین سوسیالیسم علمی بکار خواهیم بست. اما از مسلمانان راستین بیرو خط امام نیز می‌خواهیم که با چشمانی بازتر به توطئه‌های رنگارنگ خصم حيله‌گر و سوگندخورده بنگرند و از دامهای آن حذر کنند.

ضدانقلاب دام دیگری برای تفرقه‌جویی میان نیروهای انقلابی و تحریک علیه حزب توده ایران تدارک دید، این دام را پیش پای روزنامه «جمهوری اسلامی» پهن کرد و روزنامه «جمهوری اسلامی» نیز، علیرغم آنکه با این توطئه ناآشنا نبود، پای در آن نهاد.
ضدانقلاب جلد دفرجه مشقی را از بیرون با سخنان امام علی و آیاتی از قرآن مجید و از درون با تصویر روی جلد نامه «مردم» نشریه تئوریک حزب توده ایران در سالهای پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، منتشر کرده، نسخه‌ای از این توطئه، به روزنامه «جمهوری اسلامی» رسیده و روزنامه «جمهوری اسلامی» (مورخ ۲۶ بهمن ۵۹) نیز، علیرغم آنکه قبلا در دام مشابهی گرفتار شده بود، همانگونه که ضدانقلاب میخواست، به دشنام و افترا علیه حزب توده ایران دست زده است.
ما از تذکر دوستانه برای بازداشتن مسلمانان انقلابی از افتادن به دامهای تحریک و تفرقه ضدانقلاب خسته نمی‌شویم، اما انتظار داریم که آزمونهای تلخ نیز برای چندمین بار آزمایش نشوند.
نویسندگان «جمهوری اسلامی» که می‌دانند و باید بدانند که حزب توده ایران با اینگونه اعمال رذیلاانه بیگانه است و اصولاً برای عرضه نشریات و نظریات خویش، نه نیازی به این اعمال زشت دارد و نه به آنها توسل جسته و خواهد جست، چرا در مقابل توطئه‌های چنین آشکار، از خود بیخود میشوند و به عملی دست می‌زنند که

ما ضمن اعتراض شدید به این عمل غیرمسئولانه مسئول سپاه پاسداران هم، از وی و سایر مسئولین منطقی می‌خواهیم که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در مد نظر داشته باشند و بدانند که با اعمال کردن حقوق مصرحه در این قانون، بزبان انقلاب ایران است، بویژه آنکه در شرایط کنونی ضدانقلاب از هر وسیله‌ای برای دشمنی با انقلاب بهره می‌گیرد و چنین برخوردهای غیرمسئولانه‌ای می‌تواند زمینه‌ساز سوء استفاده ضدانقلاب باشد.

چندتن از هواداران حزب توده ایران در بزم، که به مناسبت دومین سالگرد انقلاب نمایندگان برپا کرده بودند، توسط عده‌ای مضراب شدند.
این نمایندگان در اولین ساعات دایر شدن توسط چند تن خرد گردید و مسئولین نمایندگان در اثر ضربات کابل مجروح شدند.
جریان این حادثه بلافاصله به مسئول سپاه پاسداران بسم گزارش شد، لیکن یا کمال تأسف، وی به شکایات رفقای ما توجهی نکرد و تاکید کرد که با حزب توده ایران مخالف است و با آن مقابله می‌کند.

فقط با تعمیق انقلاب...

بقیه از صفحه ۹

اسلامی ایران، بر روی دو «خط» حرکت میکند: یکی «خط» براندازی قهرآمیز (حمله نظامی-مستقیم یا مستقیم) انقلاب ما و یکی «خط» مسخ انقلاب، تبهی کردن آن از محتوای ضدامپریالیستی (استقلال‌طلبانه) و مردمی آن یکمک ضدانقلاب داخلی و نیز لیبرالهای سازشکار.
برای شکستن «خط» اول (که در حال حاضر بصورت تجاوز نظامی رژیم صدام عمل میکند و در آینده احتمال می‌رود که بصورت گسترش این تجاوز یکمک دیگر دولتهای دست‌نشانده منطقه و حتی حمله مستقیم آمریکا بروز کند) باید بدون فوت وقت، وسیما و همه‌جانبه (از لحاظ نیروی انسانی، انسجام نیروهای مسلح، فرماندهی کارای آنها، تدارکات، تسلیحات، تعلیمات فشرده و غیره) آماده شد.

برای شکستن «خط» دوم، یعنی خط مسخ انقلاب، که خطر آن از «خط» اول کمتر نیست، باید اقدامات زیرین را با قاطعیت انجام داد:

دروزمینه اقتصادی انقلاب تاکنون ضربات معینی بر سرمایه‌داری وابسته وارد آورده است، ولی هنوز بقایای بزرگ سرمایه‌داری وابسته باقی است. بزرگ سرمایه‌داری وابسته بازرگانی می‌تواند گفت دست‌نخورده است. این بزرگ سرمایه‌داری وابسته پایگاه مهم اقتصادی - اجتماعی سیاسی ضدانقلاب است، فعلا نه عمل میکند و حاصل عمل او رکود نسبی تولید داخلی، گرانی روزافزون، احتکار، گرانی مصنوعی، غارت بی‌بروای زحمتکشان و در نتیجه ایجاد و گسترش نارضایتی است. باید این سرچشمه فساد ضدانقلابی را کوبید. باید مواضع این بزرگ سرمایه‌داری وابسته را کلا تصرف کرد. باید بویژه و بدون فوت وقت بازرگانی خارجی را کلا ملی کرد. و به قانون اساسی در این زمینه تحقق بخشید.

انقلاب تاکنون اقداماتی در زمینه لغو بزرگ مالکی، چه نوع فئودالی و چه نوع بزرگ‌زمینداری سرمایه‌داری انجام داده است. ولی این اقدامات، در قیاس با آنچه که باید بشود، ناچیز است.

قانون اصلاحات ارضی، که در مجموع در جهت تقسیم اراضی بزرگ مالکان به دهقانان زحمتکش تدوین گردیده، چنانکه باید و شاید انجام نمی‌گیرد. اجرای بند «ج» این قانون، که محتوای اساسی آن است، با مقاومت بزرگ مالکان، لیبرالها و وعظاالسلطین طرفدار آنها روبرو شده است. باید این مقاومت را با قاطعیت شکست و **قانون اصلاحات ارضی را کلا و با قاطعیت اجرا کرد، تا از این طریق، هم یکی دیگر از پایگاههای مهم اقتصادی - اجتماعی ضدانقلاب شکسته شود، هم تولید کشاورزی براه رشد و تزوینی افتد و هم توده‌های میلیونی زحمتکشان روستا از انقلاب بهره‌مند شوند و، در نتیجه، با قدرت و بیش از پیش حامی و مدافع انقلاب گردند و از این طریق انقلاب توانائی عظیمی کسب کند.**

بطور منجز باید گفت که در شرایط کنونی، اجرای قانون ملی کردن بازرگانی خارجی و اجرای بند «ج» قانون اصلاحات ارضی، عاجل‌ترین وظایف در عرصه اقتصادی است. تعلل در اجرای آنها قبول خطر ضدانقلاب و، برعکس، تصرف این دو پایگاه عمده ضدانقلابی، شکستن کم ضدانقلاب

دروزمینه نوسازی دستگاه اداری

دستگاه اداری عظیم دوران طاغوت، ابزار مهمی در دست امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده آن برای اعمال نفوذ و اجرای سیاست استعماری و ضد خلقی بوده است. «دولت موقت» لیبرالها برای حفظ این دستگاه سعی بلیغ کرد. سپس مسئله پاکسازی بصورت جدی مطرح شد. ولی این پاکسازی همراه با نقائص جدی انجام گرفت. از یکسو پاکسازی، در چنان سطحی انجام گرفت که بسیاری از طاغوتیان و یا کسانی که برای طاغوت «آه میکشیدند»، ولی «مسلمان» شدند، باقی ماندند. از سوی دیگر افراد بسیاری که موافق و حامی انقلاب بودند، به «گناه» داشتن ایدئولوژی معینی از ادارات و نیز از دستگاه آموزشی رانده شدند. این افراد و قریط ناشی از قشری‌گری و انحصار-طلبی، بسود انقلاب نبود و نیست.

در پاکسازی ادارات، قرار است تجدیدنظر بعمل آید. این تجدیدنظر، بنظر ما، باید بدو مبنای متکی باشد: یکی اینکه دستگاه اداری از تمام طاغوت‌زدگان پاک‌شود. دیگر اینکه تمام افراد معتقد و متعهد، همه هواداران انقلاب در دستگاه اداری، در دستگاه آموزشی و در همه‌جای دیگر به کار خوانده شوند.

اساسا باید گفت که نه فقط برخورد قشری و انحصارطلبانه و طرد نیروهای اصیل و راستین انقلابی بدلیل تفاوت ایدئولوژیک، برخوردی است به زیان انقلاب، به زیان رشد حال و آینده کشور، بلکه یک چنین برخوردی، جز دادن خوراک تبلیغاتی به لیبرالها و به ضدانقلاب، هیچ فایده دیگری ندارد.

دروزمینه امنیت و آزادی

تأمین امنیت قضائی و بطور کلی تأمین امنیت و همچنین تأمین آزادیهای مصرح در قانون اساسی، اقدامی است لازم برای تثبیت انقلاب، برای جلوگیری از هرج و مرجی که به ضدانقلاب میدان میدهد و زبان لیبرالها را در تخطئه انقلاب دراز میکند. باید میدان هرج و مرج را که با تلاق و نشو و نمای ضدانقلاب است، خشکاند. باید از شیوه مبارزه چاقدارانه، از تصرف قهرآمیز دفاتر احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی، آتش‌سوزی کتابفروشیها، درگیریهای خیابانی و دیگر مظاهر هرج و مرج جلوگیری کرد. باید آزادیها را طبق قانون اساسی و قوانینی که بر پایه اصول قانون اساسی باید تدوین و تصویب گردد، برای احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی هوادار انقلاب، برای سازمانهای صنفی و اجتماعی تأمین کرد. در يك کلمه باید قانون را در همه زمینه‌ها و همه جا حاکم کرد و حکومت قانون را تأمین و تثبیت و تحکیم کرد. این یکی دیگر از اهم وظایفی است که در برابر انقلاب قرار دارد و باید با سرعت و قاطعیت تحقق یابد.

دروزمینه بهبود زندگی زحمتکشان

در این زمینه اقدامات معینی بوسیله دولت، بوسیله جهاد سازندگی و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است. ولی باید دانست که هر قدر در این زمینه پیشرفت حاصل شود و هر قدر این پیشرفت سریعتر باشد، بهمان نسبت توان انقلابی جمهوری اسلامی ایران بیشتر خواهد شد. نیازی به تذکر نیست که پیشرفت در این زمینه مستلزم مبارزه قاطع با بزرگ سرمایه‌داران و بزرگ

مالکان و بزرگ سرمایه‌داران تجاری و بزرگ واسطه‌ها و بزرگ محتکرین و بزرگ غارتگران و... خلاصه مبارزه با پایگاههای اقتصادی بازمانده از دوران طاغوت است. اضافه، یکرشته اقدامات در عرصه‌های تعیین و تثبیت قیمتها، تأمین مسکن (تا حدود امکان) برای زحمتکشان، تأمین بهداشت و بهداشتی (تا حدود امکان) برای آنان، تأمین کار (از طریق توسعه تولید) برای بیکاران و... لازم است، آنهم طبق برنامه‌های سنجیده‌ای که اجرای آنها امکان‌پذیر باشد.

یک لحظه نباید فراموش کرد که انقلاب ما «انقلاب کوخ‌نشینان علیه کاخ‌نشینان»، انقلاب زحمتکشان، مستضعفان و محرومان است که اکثریت عظیم خلق را تشکیل میدهند. با بهبود زندگی این اکثریت عظیم است که نیروی انقلاب چون کوه پرتوان و پر عظمت میگردد.

دروزمینه سیاست خارجی

سیاست خارجی، عرصه فعالیت بسیار وسیعی است و دولت جمهوری اسلامی ایران باید در این عرصه بسود تحکیم استقلال و تحکیم انقلاب بسا قدرت و قاطعیت عمل کند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، متناسفانه در مدت حدود دو سال بعد از انقلاب، در چنگ لیبرالها بوده است و اینان با در دست داشتن این اهم صدمات گرانی بر انقلاب وارد آورده‌اند. در این اواخر یا خوشوقتی می‌توان مشاهده کرد که گامهای ارزنده‌ای در گسترش و تحکیم مناسبات با برخی از کشورهای جبهه ضدامپریالیستی برداشته شده است. ولی در مجموع میتوان گفت که اگر شناخت دشمنان انقلاب ایران تا حدود زیادی انجام گرفته، هنوز شناخت دوستان انقلاب بقدر کافی و لازم نیست.

اگر درست است که ایران انقلابی، در این جهان خاکی قرار گرفته؛ اگر درست است که ایران نباید و نمی‌تواند بدور خود دیوار بکشد و مانند همه دیگر کشورهای جهان نیازمند برقراری مناسبات با دیگر کشورها برای رفیع‌نیازمندیهای متقابل است؛ اگر درست است که امپریالیسم، پس‌گردگی آمریکا، و تمام داروخته دولتهای دست‌نشانده امپریالیسم، دشمنان آشتی‌ناپذیر انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانند؛ پس برقراری مناسبات هرچه گسترده‌تر با دیگر کشورهای جبهه ضدامپریالیستی جهان، از جمله کشورهای سوسیالیستی حامی انقلاب ایران و بویژه همسایه بزرگ شمالی، اتحاد جماهیر شوروی، بر مبنای احترام بی‌خدشه و متقابل به حق حاکمیت و استقلال، برابری کامل حقوق، عدم مداخله متقابل در امور داخلی و سود و فائده متقابل عادلانه، برای تقویت بنیه انقلاب در مبارزه با ضدانقلاب جهانی، پس‌گردگی آمریکا، ضرورت تام دارد.

گامهایی که در این اواخر در این زمینه برداشته شده است، گامهای ارزنده مثبتی است، ولی در این راه، بنظر ما، باید با گامهای هر قدر ممکن است بلندتر و استوارتر، بدون بیم از تیرهای زهر آگین تبلیغات امپریالیسم خبری و لیبرالهای وطنی و مائوئیستهای آمریکایی، ضمن بدورانداختن پیشداوریهای ناشی از تبلیغات چندین‌ده ساله تبلیغات امپریالیستی و «آریامیری»، به پیشرفت. این یکی از اهم وظایفی است که در برابر دولت جمهوری اسلامی ایران، برای دسترسی به پیروزیهای نهایی انقلاب، برای تأمین پیروزی بی‌برگشت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، قرار گرفته

است. هرچه سریعتر باید مبنای و خطوط اساسی سیاست خارجی ایران تدوین گردد. هرچه سریعتر باید وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران تعیین و منصوب شود و هرچه سریعتر باید جمهوری اسلامی ایران، استوار در جبهه ضدامپریالیستی جهانی قرار گیرد، تا امپریالیسم آمریکا و همه متحدان خارجی و داخلی‌اش بدانند و ببینند که دیگر جمهوری اسلامی ایران برای آنها طعمه دندان‌گیری نیست، سنگ‌دندان‌شکنی است.

دروزمینه همکاریهای نیروهای راستین

همکاریها و وحدت عمل نیروهای راستین انقلابی، قطع نظر از تفاوت‌های ایدئولوژیک آنها، گرچه راه رشد را می‌پیماید، ولی این رشد بسیار بطئی است. در صورتیکه وحدت عمل این نیروها، در میدان مبارزه با امپریالیسم، پس‌گردگی آمریکا، و ضدانقلاب پرورده‌اش و با «جاده‌صاف‌کن‌های» ضدانقلاب، ضرورت مبرم روز است. کندی رشد این وحدت عمل، بدلیل وجود پیشداوریها، انحصارطلبی‌ها و قشری‌گری است، که بحکم انقلاب و ضرورت تثبیت و تحکیم آن، باید برطرف گردد. شعار «جبهه متحد خلق»، که ما آنرا قبل از انقلاب عنوان کردیم و در انقلاب عملا تحقق یافت، و سپس بعد از انقلاب تحقق آنرا ضمن حفظ پیروزی و تأمین پیروزی قطعی و نهائی دانسته‌ایم، شعاری تخیلی نیست، قابل اجرا و لازم‌الاجرا است. برای اینکه بتوان به ضرورت مبرم تحقق «جبهه متحد خلق»، جبهه‌های متشکل از تمام نیروهای راستین انقلابی، یا لاقال همکاری فعال و وحدت عمل آنها در همه زمینه‌ها و در همه جا پی‌برد، کافی است باین واقعیت توجه لازم مبذول گردد که نیروهای «جبهه متحد ارتجاع» (ضدانقلاب)، تریچه‌های بوک و لیبرالها) از تحقق این وحدت عمل و همکاری، از تحقق شعار «جبهه متحد خلق»، چون جن از بسم‌الله می‌ترسند و باتمام توان خود به انواع طرق و وسائل می‌کوشند که مانع از انجام آن گردند. ففاق که سهل است، حفظ تفرقه در میان نیروهای راستین انقلابی، در واقع دادن خنجرى است بدست ضدانقلاب و «جاده‌صاف‌کن‌های» ضدانقلاب، که با آن از پشت برانقلاب ضربه وارد آورند.

خلاصه کنیم: انقلاب، برغم دستاوردهای بزرگ خود، با مشکلات عینی ناشی از میراث شوم رژیم طاغوت و دوران گذار انقلاب و فعالیت مخرب ضدانقلاب از یکسو، و با مشکلات ذهنی ناشی از ندانم‌کاریها و اشتباهات، تعلل‌ها و تضام‌ها، انحصارطلبی و قشری‌گری برخی از مسئولان امور از سوی دیگر روبرو است. فقط با تصحیح اشتباهات و ندانم‌کاریها، باغلبه بر تعلل‌ها و تضام، با از بین بردن انحصارطلبی و قشری‌گری، فقط با تعمیق انقلاب در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با اتحاد نیروهای انقلابی میتوان نیروی لایزال خلق را برای مقابله با مشکلات عینی تجزیه کرد و پیروزی بی‌برگشت انقلاب را تأمین نمود. هرگونه تاخیر و تعلل در این زمینه کار انقلاب را دشوارتر و کار ضدانقلاب را آسان‌تر میکند. این واقعیتی است که همه نیروهای انقلابی و همه مسئولان امور همواره باید در برابر چشم داشته باشند. این هشدار ماست به همه نیروهای انقلابی و همه مسئولان امور.

دولت جمهوری اسلامی ایران، برای حل اختلافات خود با جمهوری دمکراتیک افغانستان، باید ابتکار را در دست خود بگیرد

حل اختلافات جمهوری اسلامی ایران با جمهوری دمکراتیک افغانستان با استواری منافع هر دو کشور در مبارزه بر ضد امپریالیسم امریکاست.

بار دیگر دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان در کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتحد، آمادگی خود را برای رفع اختلافات با جمهوری اسلامی ایران از طریق مذاکرات اعلام کرد. دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان تاکنون بارها حسن نیت و علاقمندی خود را برای حل اختلافات با کشورهای همجوار خود، ایران و پاکستان، ابراز داشته و پیشنهاد کرده است که برای رفع این اختلافات وعادی کردن روابط آن کشور با جمهوری اسلامی ایران و پاکستان مذاکراتی انجام گیرد. اما مایه شکستگی و ناسف است که مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران تاکنون به این ندای صادقانه پاسخ مثبت نداده اند. دولت افغانستان ضمن ابراز آمادگی برای مذاکره با ایران و پاکستان، خاطرنشان کرده است که حاضر است هرگونه پیشنهاد متقابل مبتنی بر حسن نیت را بررسی کند. در بیانیه وزارت امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان، که بمناسبت کنفرانس سران کشورهای اسلامی انتشار یافت، خاطرنشان شده است که: «میان افغانستان و پاکستان و افغانستان و ایران سبب و مناقشه ای وجود ندارد. جمهوری دمکراتیک افغانستان، هیچگونه ادعای ارضی نسبت به دو کشور نامبرده ندارد.»

در همین بیانیه گفته میشود: «در حالیکه تحولات داخلی افغانستان تهدیدی برای صلح و امنیت منطقه و یا در جهان نیست، این افغانستان است که آماج اقدامات تجاوزگرانه از خارج و دیگر اشکال مداخله در امور داخلی خود قرار گرفته است.»

امروز دیگر این واقعیت را کسی نمیتواند انکار کند که دامن زدن به مسئله افغانستان و عنوان کردن مداخله نظامی شوروی در این کشور، طبق طرحهای توطئه امپریالیسم امریکا و چین و پاکستان و نقشه های مداخله نظامی آنها علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان و استتار تدارکات جنگی امپریالیسم امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته و میگردد. طرح مسئله افغانستان و مداخله نظامی شوروی در افغانستان، در کنفرانسهای کشورهای اسلامی در ماههای ژانویه و مه سال گذشته از جانب رژیمهای ضدخلقی وابسته به آمریکا در منطقه نیز همین هدف را

دنبال کرد. و این در شرایطی بود که امپریالیسم امریکا تدارکات جنگی خود در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند را با مقیاس وسیعی انجام میدهد و طرحهای توطئه سرکوب انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی در ایران را، یکی پس از دیگری، بمرحله اجرا درمی آورد. در آزمون خط مشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران - که طراح و مجری آن لیبرالها بودند - در سمتی قرار داشت که با منافع عینی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در تناقض بود. این خط مشی، که مانع عمده شناخت دوستان و دشمنان واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بود، موجب گردید که روابط جمهوری اسلامی ایران با رژیمهای مستقل ملی و ضدامپریالیستی در منطقه در حالی غیرفعال و سرد باقی بماند و در عوض با رژیمهای ضدخلقی و وابسته به امپریالیسم امریکا نزدیک و گسترده شود. همه گونه کوشش بعمل آمده، تا در روابط ایران با آن همسایگانی که صادقانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی میکنند و خواهان گسترش روابط و همکاریهای دوستانه با جمهوری اسلامی ایران هستند، و خاتم ایجاد گردد و این درست آن سیاستی بود که با توصیه های پرژینسکی، مشاور امنیتی کاتر، در مورد به و خاتم کشاندن روابط ایران با همسایگانش تطبیق میکرد.

از سوی دیگر، گذشت زمان این واقعیت را نیز تایید کرد که اکثریت مطلق حاکمان و جمعیت های افغانی، که عنوان «مجاهدین» و «مبارزان» اسلامی بر خود نهاده اند و به عملیات خرابکاری و تروریستی علیه رژیم دمکراتیک در افغانستان اقدام میکنند، هر یک به نحوی با سازمان های جاسوسی ایالات متحده امریکا، چین و پاکستان ارتباط دارند و عاملین اجرای توطئه های ضدانقلابی امپریالیسم امریکا علیه رژیم دمکراتیک و دولت قانونی افغانستان اند. ماهیت گروهها و مهاجران افغانی، که در کشور ما نیز اقامت دارند، بارها در مطبوعات کشور و در جلسات مجلس شورای اسلامی از جانب برخی از نمایندگان افشاء گردیده و بر این مطلب تاکید شده است که برخی از سران این جمعیتها از لحاظ سیاسی مشکوک و اکثر افراد افغانی مقیم

ایران به خرید و فروش اسلحه، مواد مخدر، راهزنی و حتی قتل و دیگر جنایات اشتغال دارند. بدین ترتیب، مجموعه این واقعات نمایانگر آنستکه هیچگونه عامل عینی و اصولی که بتواند تیرگی در روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری دمکراتیک افغانستان را توجیه کند، وجود ندارد و تنها ذهن گرائیها و پیش داوریها مانع عمده در این راه است. در عین حال عوامل عینی و مشترک بسیاری وجود دارد که میتواند موجب نزدیکی روابط و همکاریهای گسترده میان دو کشور همجوار ایران و افغانستان و مبنای چنین روابطی باشد. پیروزی انقلاب دمکراتیک در افغانستان و پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، بر مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی امپریالیسم، بسرگردی امپریالیسم امریکا و مواضع رژیمهای ضدخلقی و وابسته به امپریالیسم در این منطقه، ضربات سنگینی وارد ساخته و تناسب نیروها در این منطقه را بنفع نیروهای استقلال طلب و آزادیخواه و به زیان امپریالیسم و رژیمهای وابسته به آن دگرگون کرده است. درست به همین دلیل است که امپریالیسم امریکا و رژیمهای ضدخلقی بخاطر بازیافت این مواضع و تغییر تناسب نیرو در منطقه بنفع خود، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان را آماج توطئه ها و نقشه های مداخله گرانه و تدارکات جنگی و طرحهای تجاوزی خود قرار داده اند.

اکثریت نمایندگان کشورهای شرکت کننده در کنفرانس جنبش غیرمتحدها در دهلی نو، اقدامات امپریالیسم امریکا و چین را، که می کوشند از طریق دامن زدن به توطئه ها و تبلیغات علیه ویتنام، کامبوجیا و افغانستان، در کارکنفرانس جنبش غیرمتحدها خرابکاری کنند، محکوم کردند. امپریالیسم امریکا، چین و پاکستان با ادامه مداخلات مسلحانه و اعزام گروههای خرابکار و تروریستی به افغانستان، در عین حال این هدف را دنبال میکنند که واحدهای محدود ارتش شوروی، که به تقاضای دولت افغانستان و طبق پیمان درجانبه دو کشور اتحاد شوروی و افغانستان، برای جلوگیری از مداخلات مسلحانه خارجی، به آن کشور اعزام شده اند، مجبور شوند در خاک افغانستان باقی

بمانند، تا از این راه از یکسو برای دامن زدن به تبلیغات ضد شوروی و تیره تر کردن روابط میان افغانستان با کشورهای همجوار آن، و از سوی دیگر انحراف افکار عمومی در منطقه و در جهان از تدارکات جنگی و توطئه های نظامی امپریالیسم امریکا، چین و پاکستان و دیگر رژیمهای ضدخلقی وابسته به امپریالیسم در منطقه، علیه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جنبه پایداری در برابر تجاوز اسرائیل بهانه ای وجود داشته باشد.

دولت جمهوری اسلامی ایران، که خود آماج عمده این تدارکات جنگی و توطئه های امپریالیستی است، بیش از هر کشور دیگری، با اتخاذ مواضع واقع بینانه، که بدون تردید پاسخکوی منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، میتواند در حل اختلافات و عادی کردن روابط خود با افغانستان و فراهم کردن موجبات خروج واحدهای نظامی محدود شوروی از افغانستان نقش موثری داشته باشد.

جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و دیگر کشورهای مستقل ملی، از آنجمله کشورهای عضو جنبه پایداری، در عقیم گذاردن و شکست توطئه ها و نقشه های تجاوزی امپریالیسم امریکا و رژیمهای ضدخلقی و وابسته به آن در منطقه، منافع مشترکی دارند. با حل اختلافات و استقرار روابط نزدیک و همیاری در همه زمینه ها با جمهوری دمکراتیک افغانستان، در ضمن رعایت اکید اصول برابری حقوق، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، احترام متقابل به تمامیت ارضی و استقلال و حاکمیت، با اطمینان و تضمین بیشتری میتوان از این منافع مشترک دفاع کرد.

دولت جمهوری اسلامی ایران برای رفع اختلافات با افغانستان و برقراری روابط دوستانه و حسن همجواری میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان باید ابتکار را در دست خود بگیرد و بدینوسیله یکی از بهانه های را که مورد سوء استفاده امپریالیسم، بسرکردگی امریکا، و رژیمهای وابسته به امپریالیسم در منطقه، برای توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، از بین ببرد.

ساعت تجاوز و نوسه مطلق رژیم صهیونیستی اسرائیل در درون این کشور هم ساکومت فرایند سرورهای صلح خو و دمکراتیک روبرو می شود. در زیر مصاحبه ای را از نظر خوانندگان می گذاریم، که جدی بین ما هشتم "بولتن اطلاعاتی ضد اسرائیلیستی" (آلمان فدرال)، با خارج طوبی، مسئول بخش بین المللی "جنبه دمکراتیک برای صلح و برابری" اسرائیل و معاون دبیر کل حزب کمونیست اسرائیل بعمل آورد:

بمناسبت برگزاری کنگره نوزدهم «حزب کمونیست اسرائیل» (۲۵ بهمن ۱۳۵۹)

سیاست تجاوز و توسعه طلبی رژیم صهیونیستی اسرائیل در درون کشور هم با مقاومت فزاینده نیروهای صلح جو و دمکراتیک روبرو میشود

پرسش: نظر "جنبه" دمکراتیک اسرائیل در باره قرارداد جداگانه "کمپ دیوید" و "واشنگتن چیست؟" پاسخ: نخستین ویژگی تسانی "کمپ دیوید" آن است که، منظور از آن حفظ منافع استراتژیک و نفتی امپریالیسم امریکا در خاور میانه نزدیک است. باید توجه داشت که طبق این قرارداد جداگانه، آمریکایی ها و اسرائیلی ها از پایگاه های جدید نظامی در خاک اسرائیل و مصر بهره مند خواهند شد. آن ها یک فرودگاه نظامی در صحرائ سینا و یک پایگاه دریایی برای ناوگان چهارم خود، واقع در مدیترانه، در بندر اسرائیلی حیفا احداث خواهند کرد.

پنداشت؟ پاسخ: بلی، چنین است. قرارداد "کمپ دیوید" (۱۹۷۸)، در درجه نخست، سدی است در برابر صلح، زیرا که دست اسرائیل را در مرزهای خاوری آن آزاد می گذارد. در این قرارداد نطفه خطر جنگی جدید نیز وجود دارد. ما در رویدادهای جنوب لبنان، در اشغال عملی این منطقه، شاهد واقعیت نامبرده هستیم. بمباران های وحشیانه شهرها و روستاهای لبنان و اردوگاه های آوارگان فلسطینی از سوی اسرائیل مقاصد شرکت کنندگان دسیسه "کمپ دیوید" را رسوا می سازد. بعقیده ما، قرارداد "کمپ دیوید" نمی تواند به صلح بیانجامد، زیرا که ضرورت حل عادلانه مسئله فلسطین را بکلی منکر می شود، در حالی که این مسئله هسته و ریشه مخاصمات میان اسرائیل و اعراب را تشکیل می دهد. قرارداد های "کمپ دیوید" و "واشنگتن" (مارس ۱۹۷۹) تنها سرپوشی است برای ادامه اشغال مناطق فلسطینی از سوی اسرائیل. هدف نقشه "خود مختاری"، که از طرف مناخیم بگین پیشنهاد و در قراردادهای جداگانه منظور شد، آن است که خلق فلسطینی - عرب را از حق تعیین سرنوشت خویش و پایه گذاری کشوری مستقل بازدارد. دولت اسرائیل

می خواهد با این نقشه ساختار سکنه مناطق اشغالی فلسطین را تغییر دهد. بنظر ما، به دلایل پیش گفته و آنجا که هدف واقعی قرارداد "کمپ دیوید" آن است که نقش "سازمان آزادی بخش فلسطین"، یعنی تنها نماینده راستین خلق فلسطین، را نادیده انگارد، این قرارداد نمی تواند به صلح بیانجامد. از اینرو، ما معتقدیم که قرارداد نامبرده با شکست روبرو خواهد شد. اکثریت کشورهای عرب و "سازمان آزادی بخش فلسطین" این قرارداد را مردود می شمردند. از اینها گذشته، باید تاکید کنیم که قرارداد "کمپ دیوید" و تسانی جداگانه میان اسرائیل، مصر و ایالات متحده ناقض همه مصوبات سازمان ملل متحد درباره فلسطین است.

می سازد. ما امروزه شاهد کارزار گسترده ای از احداث آبادی نشین های یهودی در کرانه باختری اردن هستیم. بیش از ۳۵ درصد زمین های کرانه باختری اردن صادره شده است. فزون بر یهودی نشین های سابق، در نوامبر ۱۹۷۹، دولت اسرائیل تصمیم گرفت که ۱۸ یهودی نشین دیگر در مناطق اشغالی احداث کند. پرسش: بخلاف رای دادگاه عالی اسرائیل... پاسخ: از نظر ما همه این یهودی نشین ها غیر قانونی هستند. اما دادگاه عالی تنها پاره ای از این یهودی نشین ها را غیر قانونی اعلام کرده است. برای نمونه یهودی نشین "الون مور" ، نزدیک "نابلوس"، غیر قانونی اعلام شد و قرار بود تا ۲۶ نوامبر ۱۹۷۹ از بین برود. همانطور که پیش از این هم گفتیم، هدف از احداث این یهودی نشین ها عبارت است از تغییر ساختار سکنه در مناطق فلسطینی. در مناطق اشغالی سرکوب و اختناق روبه افزایش است. با تصمیم (دولت اسرائیل)، مبنی بر اخراج شهردار "نابلوس"، در نوامبر ۱۹۷۹ (وی بر اثر اعتراض عمومی در اسرائیل و سراسر جهان توانست در ماه دسامبر به "نابلوس" بازگردد - نامه "مردم")، دوران جدید تشدید اختناق در مناطق اشغالی آغاز شد.

مایه خوشوقتی است، که در پرتو دلاوری سکنه فلسطینی در مناطق اشغالی، علی رغم سرکوبگری، بیگردد و شکنجه، مبارزات گسترش و توان بیابد. خلق فلسطین هیچ گاه خویش را با اشغال سرزمین خود سازگار نکرده است و نخواهد کرد، زیرا که نمی تواند میهن خود را در اشغال دیگران ببیند، مانند دیگر خلق های جهان، خواهان کشور مستقل خود و تعیین سرنوشت خویش است.

برنامه چهار ماده ای "جنبه دمکراتیک" برای حل مسئله خاور نزدیک پرسش: پیشنهاد شما برای مقابله با "کمپ دیوید" چیست؟ پاسخ: تجربه خود ما نشان می دهد که، حل اختلافات میان اسرائیل و اعراب بدون حل مسئله فلسطین ممکن نیست. ما همچنین به تجربه دریافته ایم که بدون احترام به حقوق فلسطینی ها، یعنی حق تعیین سرنوشت آنها بدست خویش و حق پایه گذاری دولتی مستقل، استقرار صلح امکان ندارد. ما برنامه های چهار ماده ای برای برقراری صلح در خاور نزدیک تدوین کرده ایم، که با همه مصوبات سازمان ملل متحد در باره مسئله فلسطین مطابقت دارد. ماده اول حاوی آنست که اسرائیل باید نیروهای مسلح خویش را از همه مناطق عربی - فلسطینی، که پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ به اشغال خویش در آورد، فراخواند. بموجب ماده دوم، باید یک دولت مستقل فلسطینی در کرانه باختری اردن، از جمله بخش عرب نشین بیت المقدس، و در نوار غزه، کناره اسرائیل، و نه بجای اسرائیل، تاسیس یابد. ماده سوم شناسایی "سازمان آزادی بخش فلسطین" را، به مثابه تنها نماینده راستین خلق فلسطینی در صفحه ۶

کارخانه آردسازی «دستاس» را ملی کنید

کارخانه "آردسازی جعفریان" (دستاس) واقع در جاده ساری-قائم شهر هفتاد کارگر دارد، که در سه شیفت کاری کند. ظرفیت کارخانه در حال حاضر صد تن در روز است، ولی میتوان آنرا تا دو صد تن در روز افزایش داد. این کارخانه ماهیانه مقدار ۷۵۰ تن گندم سهمیه دولتی دارد و باقی گندم مورد احتیاج آن از بازار آزاد تهیه می شود.

در تمام طول انقلاب کارگران کارخانه، با فدا کاری هرچه تمامتر کار می کردند، تا کمبود آرد باعث ناراحتی مردم نشود و از همین رو، در آمد سرشاری نصیب صاحب کارخانه شد.

پس از پیروزی انقلاب، کار فرما تصمیم گرفت که فقط مقدار گندم سهمیه دولتی را تبدیل به آرد کند و اگر این کار ادامه پیدا می کرد، کارخانه به تعطیلی کشانده می شد. همچنین کار فرما قصد داشت که بیست و شش نفر از کارگران را اخراج کند، ولی تصمیمات متخذه از جانب او، در مقابل وحدت و یکپارچگی کارگران - که منجر به پیسج روز اعتصاب شد - با شکست مواجه گردید.

مدتهاست که کارگران خواستار ملی شدن کارخانه هستند، آنها تاکنون بارها به استانداری، دادستانی انقلاب اداره صنایع و معادن و دفتر صنایع ملی شده مراجعه کرده اند، ولی تا بحال نتیجه ای عاید آنها نشده است.

طبق ترازنامه سه ماهه اول سال ۱۳۵۹، سرمایه منقول و غیر منقول کارخانه مبلغ ۱۹۱ میلیون ریال است، ولی در عین حال مبلغ ۱۳۴ میلیون ریال به بانک و مبلغ ۷۶ میلیون ریال هم به تجار بدهکار است.

باتوجه به بند الف و بند ج قانون مصوب شورای انقلاب در مورد ملی شدن کارخانه ها، این کارخانه شامل دو بند نامبرده میشود، چون هم دو نفر از سهامداران آن در خارج از کشور بسر میبرند و هم مقدار بدهی کارخانه بیش از سرمایه آن است.

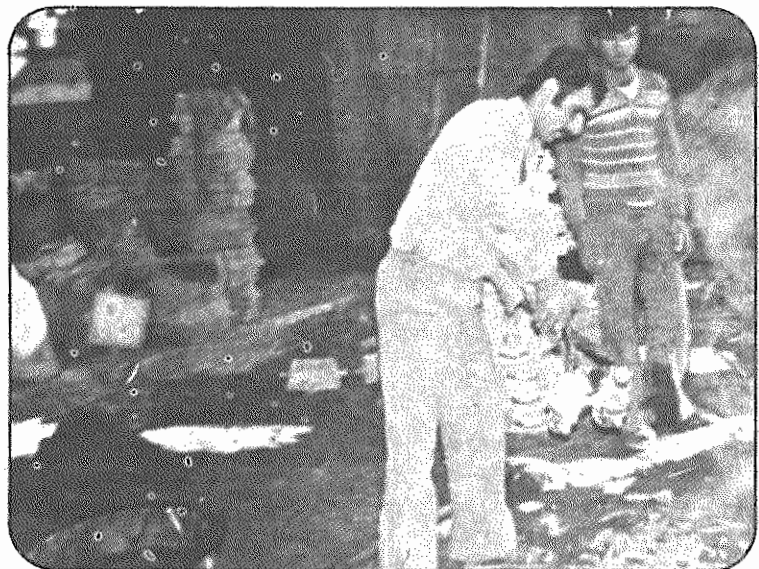
بنابراین گفته کارگران، کار فرما پیوسته سعی بر این دارد که کارخانه را به تعطیل بکشد، او با اینکه حق بیمه و مالیات کارگران را مرتبا کسر می کند، ولی به ادارات مربوطه نمی پردازد. تولید قبلی کارخانه پس از انقلاب - تا دیماه ۱۳۵۸، همان مقدار سهمیه گندم دولتی بود، ولی از آن تاریخ کارگران، با سرمایه گذاری مبلغ ۲ میلیون ریال از محل سودی که به آنها تعلق می گرفت، توانستند کارخانه را براه اندازند.

کارگران می گویند:

- ۱- به رسمیت شناختن شورای اسلامی کارخانه از طرف دولت،
- ۲- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در کارخانه،
- ۳- ایجاد سرویس ایاب و ذهاب برای کارگران.

کارگران ذوب فلزات «نوبل»:

ما وظیفه خود میدانیم که تولید را بالا ببریم



می سازند و با ساختن هر وسیله و قطعه ای، ضربه ای بر امپریالیسم وارد می کنند

باید دست واسطه ها را کوتاه کرد. اینها بدون هیچ زحمت پولهای کلانی به جیب می زنند.

کارگاه ذوب فلزات (ریخته گری) "نوبل در موزیرج" (بابل) واقع است. کارگر به همراه کارفرمای خود در این کارگاه کار می کنند. تولید این کارگاه قطعات و لوازم کشاورزی از قبیل پمپ آب و دیگر قطعات ماشین ها است.

میزان تولید ما ها نه این کارگاه سیدالی چهار صد پمپ آب است و می توانستیم قطعات یک پمپ آب، ما ننند پروانه، فلکه، سرشنگ و غیره را بسازد. نحوه کار بدین ترتیب است: ابتدا سفارش از طریق تراشکارها به کارگاه ریخته گری داده می شود. در کارگاه قالبها و اندازه های آریش ساخته شده را، با استفاده از ما سه، به شکل محصول مورد نظر در می آورند. سپس مقداری چدن را در داخل ظرف مخصوصی بنام "بوته" می ریزند و داخل کوره می گذارند و در آنجا می پاشند. بعد از آن، چدن مذاب آماده ریختن داخل قالبها می شود. سپس بوته را از درون کوره بیرون می آورند و آهن گداخته را در قالبها می ریزند. پس از چند دقیقه قالبها را با زومحصول را از آنها جدا می کنند. بعد محصول بدست آمده به تراشکاری می رود و پس از طی مرحله بعدی، قابل استفاده می شود.

دست واسطه ها را باید کوتاه کرد.

هادی را جی، صاحب کارگاه درباره نوع تولید و مشکلات آن می گوید:

"سوخت ما مخلوطی از گازوئیل و مازوت است و ما آنرا به سختی تهیه می کنیم. برای نمونه به علت نداشتن گازوئیل حدود پانزده روز کارگاه تعطیل شد. مواد اولیه ما عبارتند از چدن، چسب فنل و بوته. چدن را می توانیم از بازار داخلی تهیه کنیم و اصولا از محصولات کارخانه ذوب آهن استفاده می کنیم. البته قیمت چدن دائما بالا می رود. در مورد چسب فنل و بوته ما آنرا از خارج وارد می کنیم. از این نظر واقعاً در مضیقه ایم. میتوان گفت پنجاه درصد کمبودهای ما ناشی از تحریم اقتصادی است. چسب فنل برای ماهیچه گیری (خال کردن داخل قالب) بکار می رود. این ماده کم است ما انتظار داریم دولت در این مورد تسهیلاتی برای ما ایجاد کند، تا بتوانیم تولید را بالا ببریم. سال گذشته حدود

گران ریج می بریم و حقوقمان کفاف مخارجمان را نمی دهد. اما خوب، در حال جنگ هستیم. اگر بعضی کالاها پیدا نمی شود، ما باید تحمل کنیم، تا در این جنگ پیروز شویم.

درباره جنگ و افزایش تولید گفت:

"این جنگ به ضرر هر دو ملت ایران و عراق است. ما با هم جنگ نداریم، این عروسک کوکی آمریکا، صدام خائن بود که ما را مورد حمله قرار داد. ما وظیفه داریم تولید را بالا ببریم. همه صنعتکارها باید بیشتر فعالیت کنند و تولید را بالا ببرند. ما می خواهیم کشورمان آباد و آزاد بشود."

او درباره جیره بندی کردن بعضی از کالاها گفت:

"این کار دولت خوب بود. ما از این کار خیلی راضی هستیم، چون از نظر قیمت ارزان است و همه مردم از آن راضی هستند. من از مسیح تا غروب کار می کنم و نمی توانم بروم و کالای مورد احتیاجم را پیدا کنم. حالا لایتمن هستیم که می توانیم آنرا پیدا کنیم."

دو کارگر دیگر ریخته گری "نوبل" درباره لارفتن تولید گفتند:

"ما حاضریم با جان و دل کار کنیم و تولید را بالا ببریم. درباره جنگ عقیده داشتند:

"با پیدا تا آخرین نفوس مبارزه کنیم و دشمن را از زمین خود برانیم. درباره جیره بندی شدن برخی از کالاها نیز گفتند:

"از نظر اینکه قیمت ارزان و یکسان دارد، خوب است. دیگری عده مفت خور نمی توانند خون ما را بکشند. اگر دولت بتواند توزیع کالاها را دیگری، مانند برنج و گوشت را هم بدست بگیرد، خیلی خوب خواهد شد."

۸۰ درصد پمپ های آب و لوازم کشاورزی این منطقه را ما تولید کردیم. با ید دست واسطه ها را کوتاه کرد. یک پمپ آب، که پس از ساخته شدن ۷۰۰ تومان تمام می شود، واسطه ها آن را ۱۴۰۰ تومان می فروشند. اینها بدون هیچ زحمت پولهای کلانی به جیب می زنند."

کمبود و گرانی بدست سرمایه داران بزرگ انجام می شود.

با کارگران این کارگاه به صحبت می نشینیم. با قرحسین - پور، ۲۲ ساله، درباره وضع دستمزد خود و گرانی گفت:

"من ۴۲۰ تومان در هفته دستمزد می گیرم. با این دستمزد باید زندگی خودم را اداره کنم. البته من شکایت زیادی ندارم. بنظر من کمبود کالا گرانی بدست سرمایه داران بزرگ ایجاد می شود. درباره جنگ و جیره بندی کالاهای گفت:

"آمریکا صدام حسین را علیه ما تحریک کرده تا میهن ما را مورد حمله قرار دهد. اگر لازم باشد در جنگ شرکت کنم، حتماً و با کمال میل می روم. ما باید در این جنگ پیروز شویم و خواهیم شد. توزیع دولتی کالاهای نیز خیلی خوب است. برای اینکه دست سرمایه داران را کوتاه می کند، قیمت در همه جا یکسان و ارزان می شود و به مقدار کافی به همه می رسد."

تولید را باید افزایش دهیم

ولی سلیمانی در باره وضع دستمزد خود و گرانی گفت:

"هفته ای ۷۰۰ تومان دستمزد می گیرم. اغلب جمعه ها را هم کار می کنیم. البته ما از

سودجویی سرمایه داران جان کارگران را تهدید می کند

شرکت ساختمانی دارند، فقط یک سرویس "برتاساخت" بیمانکار دارد و به همین دلیل اکثر کارگران ناچارند برای کارگران خطری جدی محسوب می شود. احتمال تصادف آنان را با وسایط نقلیه زیاد می کند. در زمستان سال گذشته، به همین علت، ۲ نفر از حمتکشان لوشان (بیمانکار قبلی واگن

از جاده رفت و آمد می کنند، که این خود برای کارگران خطری جدی محسوب می شود. احتمال تصادف آنان را با وسایط نقلیه زیاد می کند. در زمستان سال گذشته، به همین علت، ۲ نفر از حمتکشان لوشان (بیمانکار قبلی واگن شرکت ساختمانی دارند، فقط یک سرویس "برتاساخت" بیمانکار دارد و به همین دلیل اکثر کارگران ناچارند برای کارگران خطری جدی محسوب می شود. احتمال تصادف آنان را با وسایط نقلیه زیاد می کند. در زمستان سال گذشته، به همین علت، ۲ نفر از حمتکشان لوشان (بیمانکار قبلی واگن

کارخانه آجر ماشینی و فشاری «بریک» تبریز بکار انداخته شد

کارخانه آجر ماشینی و فشاری و فشاری تبریز، در حدود ۲۰ سال قبل تأسیس شد.

این کارخانه حدود ۱۲ سال تعطیل بود. پس از انقلاب، مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی راه اندازی و اداره آنرا به عهده گرفته این مرکز چند نفر را ما موراً ماده کسردن کارخانه جهت تولید کرد و این عده با تلاش شبانه روزی خویش تاکنون توانسته اند قسمت آجر فشاری را بکار اندازند. به طوری که هم اکنون تعداد ۸۶ نفر در این قسمت بکار مشغولند و کار بر روی دستگاه های قسمت آجر ماشینی همچنان ادامه دارد. تاکنون ۸۰ درصد کار دستگاه ها تمام شده است و احتمالاً تا چند ماه دیگر شروع بکار خواهند کرد.

انجام این کار قدم مثبتی است در راستای انقلاب که می توان در این موقعیت حساس کشور رزنده باشد. به این امید که با بکار آمدن مسئولان دلسوز در راه این کارخانه، با همکاری کارگران زحمتکش، کارخانه بتواند تولید بیشتر در خدمت انقلاب قرار بگیرد.

در رزن همدان نیز بزرگ مالکی یکی از ریشه‌های فساد است

روستای فامینین، که قبلا از توابع رزن همدان بوده و در حال حاضر به بخش تبدیل شده، در ۶ کیلومتری جاده ساوه-همدان قرار دارد. این روستا یکی از پرآب‌ترین روستاهای منطقه در همدان است و زراعت آن بیشتر از نوع آبی است. روستای بزرگ فامینین در حدود ۱۲۵۰ خانوار را در بر می‌گیرد و جمعیت آن به ۸۰۰۰ تا ۹۰۰۰ نفر می‌رسد.

مسئله زمین

دهقانان کم‌زمین روستا در مجموع ۳۰۰ گاواهن زمین دارند. این روستائیان قبلا به صورت رعیت کار می‌کرده‌اند و در حال حاضر زمین‌ها در دست خودشان است. حدود ۸۰ نفر از روستائیان نیز اراضی بزرگ‌تری (در حدود ۱۰ هکتار به بالا) دارند. ۲۵ نفر دیگر از بزرگ‌زمینداران هستند که دارای اراضی وسیع کشاورزی-بعضی مکانیزه- (در حدود ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ هکتار)، همراه با جاه‌های عمیق و نیمه-عمیق هستند. عده‌ای جاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق در این روستا و روستاهای اطراف، به ۱۵۰ عدد می‌رسد. از میان این زمین‌داران از مجید اعلم فراری و صاحب شرکت توراک می‌توان نام برد. هم‌اکنون شرکت مزبور در دست شرکا اوست. آن‌ها در اوایل انقلاب اقدام به قطع تعداد زیادی از

درختان نیز کردند. اراضی متعلق به این شرکت به ۱۰۰۰ هکتار می‌رسد و ۱۰ تا ۱۱ جبه عمیق نیز دارد. مردم روستا به حق می‌خواهند که هیئت واگذاری زمین هر چه زودتر به وضع این اراضی رسیدگی کند. شرکا نامبرده در سال گذشته از آبیاری اراضی بونجه خودداری کردند، تا محصول را کمتر نشان دهند. دهقانان با کمال تعجب مشاهده می‌کنند که یکی دیگر از بزرگ مالکان، که عضو سابق حزب رستاخیز است، هنوز مسئول بانک تعاونی است. و دیگری که گروهبان سابق ارتش است و او را به علت حمل غیرمجاز اسلحه و مقدار زیادی طلا دستگیر و سبس آزاد کرده بودند، دارای ۱۵۰ هکتار زمین مکانیزه و ۱۵۰ راس گوسفند است.

همچنین چند برادر، که مدت مدیدی در رژیم گذشته در فامینین مسئول انجمن ده بوده‌اند، مجموعا بیش از ۱۵۰ هکتار زمین دارند. آن‌ها ضمنا صاحب پمپ‌بنزین جاده ساوه هم هستند و ثبت واحوال منطقه نیز در اختیار آنان است.

یکی دیگر از بزرگ مالکان در فامینین ۱۰۰ تا ۱۲۰ هکتار زمین آبی، همراه

با جبه عمیق و یک باب ساختمان (۱۶ اتاق) دارد. ناگفته نماند که شغل دیگر این بزرگ مالک نزل خواری است. بعد از انقلاب قرار بود که ساختمان وی صادره شود، ولی هنوز در این مورد اقدامی بعمل نیامده است. و بالاخره زمین دار بزرگ دیگری در فامینین یک خانه سه طبقه (۳۰ تا ۳۵ اتاق) دارد و نیز در چند کیلومتری فامینین و در جاده ساوه مالک ۲۰۰ هکتار زمین مکانیزه و یک مهمانسرای بزرگ است. به تمام این مسائل، که با نام و نشان و جزئیات در محل مشخص است، باید هر چه زودتر رسیدگی شود و حق روستائیان فامینین، بویژه زمین، به آن‌ها داده شود.

مسئله آب

یکی دیگر از مشکلات دهقانان مربوط به قنات روستاست، که پرآب‌ترین قنات منطقه است. این قنات در سال‌های گذشته در حدود ۲۴ خروار تخم‌انداز را در ۲۴ ساعت آبیاری می‌کرده است. اهالی روستا در رژیم گذشته تلاش بسیار کردند، تا از نابودی این قنات جلوگیری کنند. در حال حاضر چند دهنه از این قنات خراب شده و احتیاج به لایروبی دارد. متأسفانه تا بحال جهاد سازندگی و مسئولین اقدامی در جهت لایروبی قنات انجام نداده‌اند. در نتیجه یکی از بزرگ مالکان صرفا برای عوامفریبی اقدام به لایروبی قنات کرد و چند روز با بیل الکتریکی این کار را دنبال نمود و سپس آن را متوقف ساخت. عمل بزرگ مالک فریبکار تنها موجب کور شدن کامل قنات گردید. همین بزرگ مالک در تهران صاحب چند گاراژ با بربری، تعمیرگاه و توقفگاه است که پس از انقلاب تعدادی از آن‌ها را فروخته است. جالب توجه است که شخص مذکور قبلا با اشخاصی چون مجید اعلم‌ها، زاهدی‌ها و معین‌زندها رابطه همکاری داشته است.

مسئله درمانی و آموزشی

مشکل دیگر اهالی فامینین ناکافی بودن امکانات درمانی است. درمانگاه فامینین نصف سال فاقد دکتر است. اهالی می‌خواهند که دولت یا تأمین کامل امکانات بهداشتی و درمانی این نقیصه را مرتفع سازد. همچنین منبع آب آشامیدنی روستای فامینین چندین ماه است که خراب شده و نیاز به بازسازی دارد. در روستا از کلاس اول دبستان تا سوم نظری وجود دارد، لیکن مدارس فامینین نیاز به ساختمان بیشتر دارند. حتی اداره آموزش و پرورش، که تازه به فامینین منتقل شده، از اتاق‌های دوکلاس دبستان استفاده می‌کند.

مسئله پیکاری جوانان ده

جوانان فامینین بدین علت که اراضی وسیع روستا بناحق در تصرف بزرگ مالکین است، بیکار هستند و بناچار برای امرار معاش به شهرستان‌های اطراف می‌روند. جوانان روستا، علیرغم دشواری‌ها، همیشه به انقلاب ایمان داشته و کمک‌های قابل توجه و شایانی کرده‌اند. برای مثال چندین بار آن‌ها چند ماشین نان و وسایل ضروری و وجوهی به مقدار ۱۰ هزار تومان برای کمک به جنگ‌زدگان گردآوری کرده‌اند. عده‌ای از جوانان در بسیج شرکت کرده‌اند و آماده رفتن به جبهه هستند.

مسئله اعتیاد

برخی از اهالی فامینین اسیر مواد مخدر و اعتیاد هستند. عرضه‌کنندگان مواد مخدر، بعد از استعفای حجت الاسلام خلخاله، پخش مواد مخدر را بیشتر رواج داده‌اند. حتی گفته می‌شود که حدود ۵۰۰ نفر از جوانان روستا معتاد به هروئین هستند، که این یک فاجعه است. مادری در این مورد به پای پاسداری افتاده بود و می‌گفت:

"شمارا بخدا بیاید این جنایتکاران را بگیرد و اعدام کنید. مسئله تعاونی روستا"

در این روستا شرکت تعاونی وجود دارد، لیکن متأسفانه مسئول آن یکی از بزرگ مالکان است. این ارضیه رژیم طاغوت است، که تعاونی راه ضد آن بدل می‌کرد و بجای آنکه پاور و کمک دهقانان باشد، وسیله دوشیدن و غارت دهقانان می‌شد. برعکس بخشداری، که اخیرا تشکیل شده، اقدامات انقلابی جالب توجهی برای رفاه اهالی انجام داده است. تقسیم عادلانه نفت و روغن موتور جهت کارهای کشاورزی و گازوئیل، و بنزین برای وسایل نقلیه، و سیمان برای کارهای ساختمانی روستائیان، از آن جمله است.

بزرگ مالکان هم اکنون مشغول فعالیت‌های ضدانقلابی و شایعه‌پراکنی در روستاها هستند. بزرگ فالکی سد پیشرفت و ترقی و یکی از علل تمام بدبختی‌ها و مصیبت‌های روستائیان زحمتکش است. لذا هیئت هفت نفری در اسرع وقت باید در این بخش، کار اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی را آغاز کند. این کار موجب اشتغال روستائیان و فرزندان جوان آنان می‌گردد و از سرگردانی و فقر و بی‌هدفی آنان جلوگیری می‌کند. انهدام بزرگ مالکی حتی در محوزمینه اعتیاد نقش بسیار موثری خواهد داشت.

بموازات محو بزرگ مالکی، دولت باید وسایل و امکانات کار کشاورزان محروم را در اختیار آنان قرار دهد. لایروبی قنات روستا را انجام دهد. تعاونی روستا باید با مشارکت فعال روستائیان زحمتکش اداره شود و تحت نظارت آنان و شورای ده باشد. هنگامی که تعاونی تحت کنترل بزرگ مالک باشد، به هیچ وجه نمی‌تواند نیازهای دهقانان را برآورده سازد. در بخش فامینین، اقدامات فوق به طور حتم می‌تواند در شکست توطئه‌های بزرگ مالکان و طاغوت زده‌ها موثر باشد و شکوفایی اقتصاد کشاورزی و تولید بیشتر و زندگی بهتر را تأمین کند.

اهالی روستای ترکمن نشین «ممی» به شورای خود متکی هستند

که این روستائیان قبل از انقلاب همه روی زمین‌ها کار می‌کردند. با اینکه پس از انقلاب ۶۰ هزار تومان به روستائیان وام داده شده، بعینت آنکه بخشی از حاصل کار روستائیان قبل از انقلاب (محصول باغ سروان عقیلی) ضبط شده است، روستائیان قادر به بازپرداخت وام خود نیستند. یکی از روستائیان می‌گفت: "ما به امید محصول باغ سروان گرفتیم. یکی دیگر از روستائیان به نام گلیدی-آخچلی، می‌گفت:

"درخا ۹۰ نفران خور هستند. پسر که نان آورخا نه بود، به سرپای ری رفته است. من هم به بیماری سل مبتلا هستم و کمتر می‌توانم کار کنم. خرج من به سختی تا میسر می‌شود. البته من افتخار می‌کنم که پسرم به اسلام و وطنش خدمت می‌کند." اهالی برای رفع دشواری‌های شورای خود چشم امید دوخته‌اند و به تجربه می‌دانند که با کمک هم خواهند توانست موفق شوند. اهالی این روستا در حالیکه خود درگیر فقر و سختی‌های فراوان هستند، یکبار به بیش از هزار تومان از طریق شورا وعده‌ای نیز به طور مجزا به جبهه‌های جنگ با آمریکا و رژیم مدام کمک کرده‌اند. شورا در امور کشت و کجک رسانی به جبهه و مسائلی روستائی نیز فعال است.

جای آن دارد که مسئولان و ارگان‌های انقلابی، بخصوص جبهه‌های دس زندگی، با رسیدگی به مشکلات این روستائیان زحمتکش و تقویت شورای اسلامی ده، گام دیگری در جهت رشد و گسترش انقلاب بردارند و روستائیان را پیش از پیش به انقلاب مومن و معتقد گردانند. روستای ترکمن نشین ممی یکی از صدها روستائی است که در این منطقه، با تشکیل شوراهای اسلامی ده، راه را برای حل مسائل خود و ایجاد همکاری و اتحاد بین دهقانان و مقابله با بزرگ مالکان و ضد-انقلاب بدرستی یافته است.

در حدفاصل گنبد-آزادشهر و در ۶ کیلومتری گنبد، جاده‌ای بطول حداکثر ۲

کیلومتر قرار دارد، که به یکی از روستاهای ترکمن نشین بنام "ممی" می‌رود. در این روستا، که محصول عمده‌اش گندم است، ۴۷ خانوار زندگی می‌کنند، ولی در آن حداکثر ۳ باب ساختمان وجود دارد. علت آن فقر هولناکی است که در دوره سلطه رژیم منفرود

پهلوی بردوش روستائیان سنگینی می‌کرد و روستائیان را ناچار می‌کرد که ۲ یا ۳ خانوار در یک ساختمان سه اطاقه زندگی کنند. در این روستا، که امکانات بهداشتی و مدرسه و حمام ندارد، اخیرا شورای اسلامی ده تشکیل شده است.

در شورای ده ۵ نفر عضویت دارند. بخشی از زمینهای فئودالهای سابق (حدود ۷۰ هکتار)، اکنون تحت نظارت این شورا کشت می‌شود و محصول آن نیز بین روستائیان تقسیم می‌گردد. پس از انقلاب زمین‌های فئودالها، که بخشی از آن باغ سیب و قسمتی دیگر زمین زراعتی است، توسط دهقانان کشت گردید. محصول باغها توسط جبهه دس زندگی از آزادشهر دریافت شد.

"ما مبودی آخچلی"، یکی از اعضای شورای اسلامی ده در این باره می‌گفت: "ما به ما ندادند، که سروان عقیلی (صاحب باغ) با یکی از دست‌اندرکاران، که مسئولیت خویشا و نندی است،

اکنون حدود ۲۰ هکتار زمین در اختیار ۵۲ خانوار ساکن این روستا (۵ خانوار سیستانی و ۴۷ خانوار ترکمن) قرار دارد که نمی‌توانند کفاف مخارج و احتیاجات آنان را بکنند. لذا روستائیان برای تأمین مخارج خود، برای کارگری به شهر می‌روند. بعنوان مثال، ۱۶ نفر از آنان در کارخانه آجرما شینی و بقیه در جاهای دیگر کار می‌کنند. ناگفته نماند



دهقانان زحمتکش از ملی کردن بازرگانی خارجی حمایت می‌کنند

دهقانان روستای نظرآباد کرج، در نامه‌ای که بنوشته خودشان "به روزنامه‌های وفا دار به انقلاب اسلامی" رسال داشته‌اند، چنین می‌نویسند:

"ما اهالی نظرآباد شهرستان کرج، در زمانی که میهن انقلابیمان مورد هجوم و تاخت و تاز امپریالیست‌های خونخوار و نوکران سربرده‌اش قرار گرفته، شاهد تضعیف روحانیت مبارز و رهبری امام خمینی و سنگ انداختن پیشپای انقلاب بوسیله ضدانقلاب داخلی، ما کوئیست‌ها و لیبرال‌ها هستیم و آمریکا با ۲۰۰ هزار تفنگدار و ۶۰ ناو جنگی و با همدستی فرانسه، انگلیس و دیگر امپریالیست‌ها در خلیج فارس در صدد تقویت ضدانقلاب داخلی و شکست انقلاب ما هستند.

ما پشتیبانی خود را از فعالیت دولت انقلابی و مجلس شورای اسلامی در ارتباط با ملی کردن بازرگانی خارجی (اصل ۴۴ قانون اساسی) اعلام کرده و تصویب این قانون و این اقدام انقلابی را مشت محکمی به دهان لیبرال‌ها و سرمایه‌داران و تجار وابسته دانسته و این اقدام انقلابی را به مردم مستضعف ایران تبریک می‌گوئیم.

از ابتدای انقلاب تا حالا ما محاصره اقتصادی امپریالیست‌ها روبرو بوده‌ایم و حال که در شرایط جنگ بسری می‌رییم، اقتصاد کشور ما همیشه بوسیله تجار وابسته زیرضره بوده و آنها شیره جان مردم مستضعف ما را کشیده و بخش‌های گزافی از بودجه مملکت را به گیسو مشترکشان با امپریالیست‌ها واریز می‌کردند.

ما امضاکنندگان زیر به نمایندگی از طرف بیشتر اهالی نظرآباد کرج پشتیبانی خود را از امام خمینی رهبر انقلاب و روحانیت مبارز و این اقدام اخیر مجلس شورای اسلامی یعنی ملی کردن بازرگانی خارجی اعلام کرده و موفقیت و توفیق ارگان‌های انقلابی و وفاداران به انقلابیمان را در انجام این اقدامات انقلابی خواهانیم. دهها امضا در زیر این نامه‌هاست، که از روشن بینی عمیق دهقانان ما حکایت می‌کند، دیده می‌شود.

زحمتکشان حلبی آباد شیراز :

آمریکا مارا «دباغی» کرد



ایبجا تل زباله نیست نزدیکی ۴۰۰ خاورکارا رکری است!

زحمتکشان محله حلبی-آباد (دباغخانه) در جنوب شهر شیراز، خواستار رسیدگی سریع به مشکلات متعدد خود هستند.

اغلب ۴۰۰ خانواده ساکن این محله از دشمن زیاری (دهی در نزدیکی شیراز) و مشایخ در ۱۶ فرسخی شیراز، به این حلبی آباد پناه آورده اند و اکنون زندگی خود را با کار روزمزد مردان و کودکان در کارهای ساختمانی می گذرانند. زاهدان عمومی، آب لوله کشی، حمام، یزشک و درمانگاه در این محله خبری نیست.

محله دارای یک شورای محلی است، که هر ماه ۱۸ لیتر نفت و مقدار کمی برنج و روغن به هر خانواده می دهد، اما این مقدار کفاف زندگی هیچ خانواده ای را نمی دهد. تنها مدرسه ۵ کلاسه محله از طرف جهاد سازندگی ساخته و برق محله هم با همی سازی ساکنین کشیده شده است. چند شیر آب در سطح محله وجود

دارد، که اطراف آنها همیشه ملو از کثافت است. اهالی می گویند:

"برای یک اتاق باید ۲۰۰ تومان ماهیانه اجاره بپردازیم. طبق گفته امام، انقلاب متعلق به مستضعفین است و ماهمه در انقلاب زمین و آب داده شود، حاضریم در هر کجای این مملکت کشت و زرع کنیم. انقلاب باید به ما کمک کند، تا بتوانیم نیروی خود را بجای اینکه صرف پیدا کردن نان کنیم، در راه مبارزه با آمریکا به مصرف برسانیم. چون ما میدانیم که آمریکا بدست رژیم شاه ما را دباغی کرده است." ضروری است که دولت از طریق انجام برنامه های ضربتی و اقدامات قاطع، خواستهای برخی این مستضعفین را، که صاحبان اصلی انقلاب هستند، تامین کند و نیروی آنها را برای انقلاب به خدمت بگیرد.

بمناصبیت برگزاری ۳۰۰

بقیه از صفحه ۳

فلسطین طلب می کند، و ماده چهارم خواستار است که حاکمیت و تمامیت ملی همه کشورهای خاور نزدیک، از جمله اسرائیل و کشور مستقل فلسطین رعایت گردد.

این برنامه ایست جامع و روشن، که می تواند مورد قبول همه کس واقع گردد و از سوی جامعه بین المللی، به عنوان برنامه ای، که با همه قطعنامه های سازمان ملل مطابقت دارد، پذیرفته شود. فزون بر این، برنامه نامبرده می تواند در شرایط حاکم بر خاور نزدیک پایه ای برای برقراری صلح عادلانه، همه جانبه و پایدار باشد. برای پی ریزی این کار، لازم است که کنفرانسی بین المللی، به سرپرستی سازمان ملل متحد، به ریاست مشترک ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی و با شرکت همه کشورهای سازمان های ذینفع، از جمله والیته "سازمان آزادی بخش فلسطین" فراخوانده شود.

آغاز اوچگیری جنبش صلح در اسرائیل

پرسش: چنین می نماید که جنبش صلح در اسرائیل در سال ۱۹۷۸ / ۷۹ گت در آن اوچگیری را آغاز کرد. آیا می توان گفت که این، از جمله، بمعنای مخالفت با سیاست اشغال و نواندیشی درباره مسئله فلسطین است؟

پاسخ: در واقع هم محافل هر چه وسیع تر در اسرائیل هر چه بیشتر به این آگاهی دست می یابند که بدون فلسطینی ها وحل مسئله فلسطین، صلح امکان پذیر نیست.

مسئله فلسطین با آن روبروست، عبارت است از: یا صلح یا فتح ارضی. نمی توان انتظار داشت که در عین حال هردو میسر باشند. آنچه که خلق ما در اسرائیل خواستار است، صلح است نه غصب

سرزمین های دیگران، صلح است و نه ایجاد آبادی های یهودی نشین. این ندایی است، که هر چه بیشتر در اسرائیل رساتر می شود و مادر آن گرایشی مثبت را مشاهده می کنیم.

برای نمونه، به جنبش صلح اکنون "نگاهی بیفکنیم. با آنکه در موضع گیری این جنبش در برابر مسائل بنیادی خاور نزدیک برخی اشتباهات و ابهامات دیده می شود، با این همه خود این واقعیت که در اسرائیل چنین نهضت توده ای پدید آمده است، حاکی از آن است که جامعه اسرائیل در شرف دگرگونی های بنیادی است. در تظاهراتی، که در اکتبر ۱۹۷۹ از سوی این جنبش در تل و یویرگزار شد و شعارهای اصلی آن "به اشغالگری پایان دهید!" و "مرگ بر اشغالگری." بود، ۱۰۰ هزار اسرائیلی شرکت جستند. پدیده ای، که در سیاست و جامعه اسرائیل کاملا تازه داشت.

روشن است که چنین پدیده ای از راستای تحولات آینده نیز سخن می گوید. به موجب نظر خواهی که در اسرائیل شده است، ۳۲ درصد اسرائیلی ها هوادار تاسیس یک کشور فلسطینی هستند. بنابراین، در این زمینه تغییری به وقوع پیوسته است. این تغییر، یک شبه حاصل نشده است، بلکه فرآورده تحولات و پیکار عمومی خلق های خاور میانه، تحولات واقع بینانه در درون "سازمان آزادی بخش فلسطین" و مبارزات "جبهه دمکراتیک برای صلح و برابری" در اسرائیل است.

با آنکه روی این تحولات تاکید می کنم، باید بگویم که دچار هیچ گونه توهمی نیستیم. هنوز پیگیری سخت در پی داریم تا دگرگونی های بنیادی را بر سیاست دولت اسرائیل تحمیل کنیم و آن را مجبور سازیم، از تجاوز و توسعه طلبی دست بردارد و سیاست خویش را بر پایه برقراری صلح عادلانه و شناسایی حقوق فلسطینی ها استوار

پیام سازمان جوانان توده ایران - اهواز

به مناسبت بازگشایی مجدد مدارس در اهواز

به یاد همه دانش آموزان شهید، به یاد همه آموزگاران و دبیران شهید، به یاد همه مردان، زنان، جوانان و نوجوانانی که با اینار خون خود در مقابل تجاوز رژیم جنایتکار صدام و امپریالیسم آمریکامردانه ایستادند و با از خود گذشتگی های بی پایان از انقلاب و مین انقلابی دفاع کردند، بازگشایی مدارس را، همگام با دومین سالگرد انقلاب شکوهمند مردم ایران، آغاز می کنیم.

به دنبال تجاوز رژیم جنایتکار صدام، به عنوان ششمین توطئه امپریالیسم آمریکا برای براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، مدارس اهواز تعطیل شدند و نوجوانان و دانش آموزان مبارزه و تلاش را در مدرسه ای دیگر آغاز کردند. مدرسه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران.

اکنون دربرو مقاومتها و از جان گذشتگی های مردم قهرمان اهواز و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، شهر چهره عادی خود را بازیافته است و مقامات مسئول تصمیم به بازگشایی مجدد مدارس گرفته اند. مدارس اهواز در شرایطی باز می شوند که امپریالیسم جنایتکار آمریکا، که با اجرای توطئه تجاوز صدام به مین انقلابی ما نتوانست به هدفش، یعنی براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دست یابد، در تدارک اجرای همتین توطئه خویش است. تشدید حضور نظامی بی سابقه در اقیانوس هند و خلیج فارس، توطئه های پنهانی سران مرتجع منطقه در کنفرانس باسلاخ اسلامی (طائف)، تشدید تبلیغات و خرابکاری های ضد انقلاب در داخل مین، توطئه ایجاد تشنج و درگیری در سطح کشور به ویژه در مدارس - از جمله تدارکاتی است که امپریالیسم آمریکایی برای سرکونی جمهوری اسلامی ایران انجام می دهد.

در چنین شرایط حساسی، امپریالیسم و اعمال راست و چپنمای آن به مناطق جنگ زده توجه جدی می کنند. ستون پنجم دشمن می گوید، تا با استفاده از شرایط ویژه جنگی و احيانا سستی ها، کمبدها و

نارسائی های که در توجه به مردم جنگ زده و «آوارگان جنگ» صورت می گیرد، در این مناطق و در میان «آوارگان جنگ» ایجاد نارضایی و آشوب کند و بدینسان با تضعیف پشت جبهه، نقشه های شوم خود را پیش ببرد.

از اینرو، سازمان جوانان توده ایران - اهواز، توجه مسئولین امر را به وضع مردم، جوانان، نوجوانان و دانش آموزان مناطق جنگ زده و «آوارگان جنگ» جلب می کند و از آنان می طلبد که با اقدامات بنیادی، زمینه های فعالیت ضد انقلابیون را مستعد و چپنما را از میان ببرند.

سازمان جوانان توده ایران - اهواز از مسئولین متعهد و انقلابی آموزش و پرورش می طلبد که با انجام اقدامات زیرین، سهم ارزنده خود را در تحکیم جبهه های جنگ میهنی علیه تجاوزگران صدامی ادا کنند:

* با توجه به اینکه ضد انقلاب و گروهک های راست و چپنما می کوشند، تا از ناپسامانی ها و کاستی ها در محیط آموزشی، حداکثر استفاده را برای ایجاد آشوب در مدارس بنمایند، به موقع و هشیارانه و با مشارکت سازنده همه دانش آموزان و آموزگاران، در رفع ناپسامانی ها و کمبودهای موجود در مدارس بکوشید.

* برای آموزش و پرورش دانش آموزان جنگ زده ای که در دیگر نقاط ایران سکونت دارند، تسهیلات و امکانات لازم را فراهم کنید.

* همانطور که حجت الاسلام طاهری در نماز جمعه ۱۷/۱۰/۵۹ اشاره کرده است، با اتخاذ تدابیر جدی، به وضع آموزش و پرورش دانش آموزانی که در نهبادهای انقلابی شرکت دارند، رسیدگی کنید.

* برای دایر کردن کلاسها، محیط امن و مطمئن فراهم کنید!

آموزگاران و دبیران آگاه، انقلابی و دلسوز!

در تربیت نسل جوان کوشا باشید!

وظیفه مهم آموزش و پرورش سازندگان

سازمان جوانان توده ایران - اهواز

اهواز ۱۳۵۹/۱۱/۱۹

به خواستهای به حق دیپلمه های کارآموز اصفهان رسیدگی کنید

حدود ۱۵۰۰ نفر از دیپلمه های کارآموز اصفهان، که پس از ۱۴ ماه کار در ادارات مختلف به علت نداشتن بودجه، از طرف استنادار اصفهان بیگانه شده اند، روز ۱۵ بهمن ۵۹، ضمن اجتماعی در باشگاه کارگران این شهر، خواستار رد ادن حق تقدم در استخدام به خود شدند. نمایندگان این کارآموزان، که همگی به صورت پیمانی مشغول کار بوده اند، از توطئه عوامل ضد انقلاب، که قصد داشتند این اجتماع را به راه پیمانی علیه جمهوری اسلامی ایران بکشانند، جلوگیری کردند و گردهمایی را بصورت آرا می به پایان رسانند. در پایان این گردهمایی، شرکت کنندگان ضمن تشکر رهبری انقلاب، امام خمینی، قطعنامه ای صادر کردند. در این قطعنامه از جمله به مسائل زیر اشاره شده است:

- عدم خراج کارآموزان، پرداخت حقوق آنها و نیز عدم استخدام پنهانی،

- حق تقدم دادن به کارآموزان در هنگام استخدام،

- ملی کردن کامل صنایع، افزایش تولید و برنامهریزی برای صنایع مستقل مادر،

- حل مسئله راضی، ایجاد خدمات روستایی و اجرای خانه سازی برای مستضعفین،

- لغو اضافه کاری در موسسات تولیدی، ایجاد تعاونی های مصرفی و توزیع،

- استفاده از کارآموزان جهت آموزش به دهقانان و کار در تعاونیهای توزیع و تولید. ما ضمن جلب توجه مقامات مسئول استان اصفهان به خواستهای این کارآموزان، از آن ها می خواهیم که به خواستهای منطقی کارآموزان رسیدگی کنند و در جهت رفع مشکلات آنان اقدامات لازم را بعمل آورند.

در جنگ عادلانه
بر ضد رژیم
صدام حسین
و برای دفاع
از میهن انقلابی
شرکت کنیم!

سازد. "جبهه دمکراتیک" و همه بخش های آن از هیچ کوششی باز نخواهد ایستاد تا جبهه ای واحد از همه نیروهای صلح دوست پدید آورد، که به امر صلح عمیقاً علاقمند و آماده هستند که در راه برنامه ای، مبتنی بر شناسایی حقوق حقه همه عناصر ذینفع مبارزه کنند.



پلیس اتریش از تظاهرات ساواکیها علیه جمهوری اسلامی ایران حمایت کرد

همزمان با دومین سالگرد انقلاب ضد امپریالیسم و مردمی ۲۲ بهمن، گروهک های ضد انقلابی و ساواکی در روزهای اخیر فعالیت های تبه کارانه و تشنج - آفرین خود را در کشورهای اروپای غربی و شرقی گسترش دادند. آنها در اغلب موارد از حمایت پیدریغ پلیس و مقامات «امنیتی» این متحدها امپریالیسم آمریکا بهره مند شده اند.

برای نمونه، در روز ۲۳ بهمن ماه ۵۹، ۴۰ ساواکی زیر چتر پشتیبانی پلیس وین در این شهر به تظاهرات علیه جمهوری اسلامی ایران پرداختند. از سوی دیگر، پلیس وین بگونه ای وحشیانه به سرکوب تظاهرات پشتیبانان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دست زد. سازمان حزب توده ایران در وین، که یکی از متبکران تظاهرات میهن دوستانه ایرانی به پشتیبانی از انقلاب ۲۲ بهمن بود، در اعلامیه ای، رفتار مقامات «امنیتی» وین را در پشتیبانی از تظاهرات ساواکیها، بشدت محکوم کرد و سفارت جمهوری اسلامی ایران را در اتریش فراخوانده تا از طریق دیپلماتیک، مراتب اعتراض خود را نسبت به این رفتار خصمانه مقامات رسمی این کشور نسبت به دولت جمهوری اسلامی ایران، به دولت اتریش اعلام دارد.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

تعیین نکردن حدود مالکیت، مجلس را تضعیف می کند

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که پرسیاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، لایحه حد اکثر حقوق بازنشستگی مورد تصویب نهایی قرار گرفت.

نخستین ناطق پیش از دستور، که در ابتدای این جلسه سخنرانی کرد، مهندس بازرگان بود. مهندس بازرگان ضمن انتقاد شدید از آقای رجایی نخست وزیر و آقای دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور، از آقای بنی صدر رئیس جمهور نیز انتقاد کرد. دومین ناطق پیش از دستور، احمد ملازاده، نماینده گناباد بود. وی ضمن اشاره به حوادث و درگیریهای اخیر گناباد، که منجر به کشته و مجروح شدن چند نفر گردید، از مقامات مسئول استان خراسان بدلیل برخورد غیرمسئولانه آنها انتقاد کرد.

وی سپس، ضمن تاکید بر اینکه مسائل شخصی را باید از مسائل انقلاب جدا کرد، گفت: «با گفتن حقایق، دولت تضعیف نمی شود. نگفتن حقایق دولت و ریاست جمهوری و مملکت را به فنا خواهد داد.»

نماینده گناباد همچنین خواستار تعیین حقوق قضائی و اجتماعی و

حدود مالکیت شد و هشدار داد که، عدم تعیین این حدود، مجلس را تضعیف می کند.

پس از آن مجلس وارد دستور شد. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس، یا استاد به اصل ۸۵ آئین نامه داخلی مجلس، برای تسریع در کار رسیدگی به لوایح و طرحها، از مجلس درباره ارجاع اساسنامه کمیته ملی المپیک به کمیسیون نخست و زیری نظر خواست، که مورد تصویب قرار گرفت.

(اصل ۸۵ آئین نامه به مجلس اجازه می دهد که در صورت پذیرش نمایندگان، در مواقع ضروری، تصویب بعضی لوایح و طرحها را به کمیسیونهای مربوطه ارجاع دهد.)

سپس لایحه حد اکثر حقوق بازنشستگی در شور دوم مورد بررسی قرار گرفت و به تصویب نهایی رسید.

پس از آن درباره کلیات لایحه اصلاح قانون تعیین حد اکثر مبلغ وام مسکن بحث شد و قواد گریمی بعنوان مخالف و ابوالفضل موسوی تیریزی به عنوان موافق صحبت کردند. ادامه بحث در مورد این لایحه بدلیل اتمام وقت، بجلسه فردا موکول شد.

دفتر سازمان ایالتی حزب توده ایران در شیراز مورد حمله قرار گرفت

دفتر سازمان ایالتی حزب توده ایران در استان فارس پرریوز مورد حمله عناصر غیرمسئول و مشکوک قرار گرفت و به آتش کشیده شد.

به دنبال وقوع این حادثه، سازمان حزب توده ایران در استان فارس اعلامیه ای صادر کرد. در این اعلامیه آمده است: «مقارن ساعت ۱۶۵ بعد از ظهر شنبه ۲۵ بهمن ماه ۵۹، گروهی از افراد غیر مسئول و مشکوک تحت عنوان «حزب الهی» به دفتر سازمان ایالتی حزب توده ایران در فارس، واقع در خیابان ۱۶ متری برق شیراز حمله کردند و با زور و تهدید وارد دفتر شدند. این افراد، پس از یورش به دفتر، رفقای توده ای ما را، که در آنجا بودند، به سبک فیلمهای وسترن آمریکائی تهدید کردند که اگر از جای خود تکان بخورند، به روی آنها اسلحه خواهند کشید! آنکاه یکی از افراد گروه یک بطری آتشنز را در حیاط دفتر حزب پرتاب کرد و این را به آتش کشید.

این افراد، که در بین آنها چهره های مشکوک و شناخته شده ای از مائوئیستیهای «رنجبر» و تازه مسلمان شده ها دیده میشد، در ادامه عمل غیرقانونی و ضد انقلابی خود به رفقای ما حمله کردند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند و سپس شش نفر از آنها را در فضای تنگی برای مدت یکساعت محبوس کردند.

آنکاه آنها را با شیوه ای موهن و خستونب آمیز مورد «بازجویی» قرار دادند و به بازرسی بدنی آنها پرداختند.

در مقابل تقاضای رفقای ما، که اگر حرف و اعتراض دارید، باهم به سپاه پاسداران، ارگان انقلابی و قانونی است، برویم، افراد مذکور با گفتن این که: «ما کاری به سپاه پاسداران نداریم، به اعمال خودسرانه و قانون شکنانه خود ادامه دادند. با کمال تأسف و تعجب، باینکه

در آغاز حمله، به کلاتری محل مراجعه شد، تا این افراد را از محل دفتر دور کنند، پاسخ مقامات کلاتری منفی بود و مسئولین کلاتری از خود سلب مسئولیت کردند.

حزب توده ایران - سازمان ایالتی فارس، ضمن اعتراض شدید به این عمل غیرقانونی و ضد انقلابی، توجه مقامات مسئول استان را به این نکته جلب می کند که: در زمانیکه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وارد سومین سال حیات خود می شود، ضدانقلاب برای مقابله با اقدامات مردمی ارگانها و نهادهای انقلابی به منظور حل مسائل مردم مستضعف، در سطح استان توطئه وسیعی را تدارک می بیند، تا با ایجاد جو تشنج، تحریک و تجاوز، چه مستقیم و چه غیر مستقیم، دستاوردهای انقلاب را خدشه دار سازد و چنین وانمود کند که انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تحمل پذیرش فعالیت های سیاسی وفادار احزاب و سازمانهای سیاسی وفادار به انقلاب، از جمله حزب توده ایران، را ندارد. لازم به توضیح نیست که رهبری انقلاب و مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران بارها و بارها رعایت آزادیهای مصرح در قانون اساسی را تاکید کرده اند، ولی عده ای از عناصر ماجراجو و بی مسئولیت و مشکوک با دست زدن به چنین اعمالی، بر حیثیت و اعتبار جمهوری اسلامی ایران لطمه وارد می آورند.

ما از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فارس مصرا نه می - خواهیم که هرچه زودتر وجدی تر با اعمال خلاف قانون گروهی از عناصر غیرمسئول و مشکوک، که خود را تحت نام «حزب الهی» پنهان کرده اند و حاضر به رعایت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیستند و عمل آنها نتیجه ای جز لکه دار کردن حیثیت و اعتبار جمهوری اسلامی ایران ندارد، مقابله کنند و با دستگیری مسببین این حمله و تجاوز، آنها را مورد تعقیب قانونی قرار دهند.

ارتفاعات تته...

بقیه از صفحه ۹

۶۵ تن از افراد نظامی عراقی در منطقه به هلاکت برسانند. ضمناً دیروز ۲۸ تن از افراد مسلح غیرقانونی خود را در مریوان به مسئولان نظامی معرفی کردند. همچنین اطلاعیه شماره ۴۰۴ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران حاکیست که در عملیات هلیکوپترهای جنگنده هواپیمایی (هوانیروز) در منطقه آبادان، یک ساختمان (پناهگاه) افراد عراقی، یک نفر بر زخمی و یک خودرو نظامی و چند سنگر متجاوزان منهدم و ۲۰ تن از آنان کشته شدند. در عملیات دیگر دلاوران هوانیروز در همین منطقه، یک تانک، یک نفربر، یک خودرو و یک توپ ضد هوایی دشمن به آتش کشیده شد و تعدادی از افراد ارتش عراق به هلاکت رسیدند. ارتش متجاوز عراق در یکی از جبهه های منطقه اهواز مواضع نیروهای خودی را زیر آتش توپخانه قرارداد، که در نتیجه سه تن از افراد خودی مجروح شدند. آتش دشمن در اثر پاسخگویی توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران خاموش شد. در همین منطقه در نتیجه اجرای آتش توپخانه رزمندگان قهرمان ما، به یک ستون خودروی دشمن، که در حال حرکت بود، شایعات و تلفاتی وارد شد. در منطقه ماهشهر یکانهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مواضع دشمن را در چندجبهه هدف آتش توپخانه و خمپاره انداز قرار دادند، که در نتیجه تعداد ۳۲ تن از افراد عراقی کشته و ۱۵ تن از آنان مجروح شدند. در یکی از جبهه های خویین شهر، با آتش یکانهای نیروی دریائی

هشدار: گروهک های مائوئیستی بنهادهای انقلابی سروان حمله کردند

گروهک های مائوئیستی - آمریکائی، روز ۲۲ بهمن، در اجرای توطئه ایجاد کانون تشنج در منطقه سیستان و بلوچستان، به مراکز نهادهای انقلابی این شهر حمله کردند.

در این روز عده ای از اعضای این گروهکها در سروان دست به راهپیمائی و پخش اعلامیه زدند. به دنبال این عمل، ۲ نفر از افراد مزبور، که با موتورسیکلت در سطح شهر مشغول پخش اعلامیه بودند، مورد تعقیب مامورین سپاه پاسداران سروان قرار گرفتند. متأسفانه در جریان این تعقیب، اتومبیل

ترانه شهید

به خاطر شهیدان انقلاب، در دومین سالگشت پیروزی

خون رونده تو سرودی است خواندنی شعری است ماندنی تا با جوانه های بهاری از ارغوان و صبح برآیی

آن روز دیر نیست آن روز دیر نیست

امروز یاره یاره برچمن سرخ خسته ای پاییز رفته بر ما با ایشمه گلی تو سرخ و شکفتنی

باشد به دشت سبز بیایی دستی نقاب چشم، خورشید را بیایی

روزی که دستهای تو شمشیر نیست، گواهنی است سخت

آن روز دیر نیست آن روز دیر نیست

جلال سرفراز ۱۱ بهمن ۵۹

«لوح افتخار» را کامل کنیم

به مناسبت ۱۴ بهمن، «روز شهیدان حزب و جنبش»، متذکر شده بودیم که «لوح افتخار» کامل نیست و از همه مردم قهرمان ایران، از همه انقلابیون ایران، از همه رفقا و هواداران حزب توده ایران تقاضا کرده بودیم که نام و عکس شهیدانی را که در «لوح افتخار» نیامده است، برای ما بفرستند.

این نامهای تازه بر «لوح افتخار» افزوده شده است: رفیق شهید سید عبدالله عابد اصلی (کارگر کفاش) - شهادت در سال ۱۳۳۱، هنگام فروش روزنامه حزبی در میدان فردوسی، بر اثر ضربه چاقوی «امیرموبور» (از مزدوران حزب زحمتکشان بقائی).

رفیق شهید علی نیکدل (عضو سازمان ایالتی گیلان) شهادت در شهریور ۱۳۳۲، در اطراف کسا، با گلوله دزخیمان شاه.

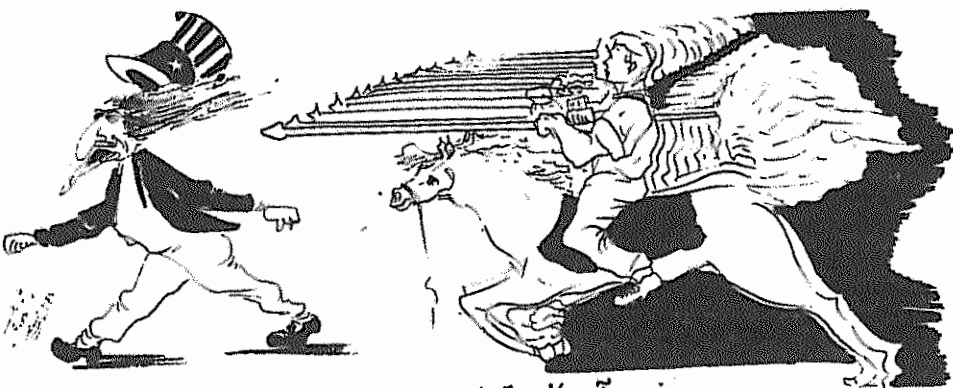
رفیق شهید عباس آمده (دهقان) - شهادت در سال ۱۳۳۰، در اثر حمله دزخیمان شاه به یک کنفرانس دهقانی در گیلان.

با تشکر فراوان از رفقای که نامهای بالا را در اختیار ما گذاشته اند، باردیگر تقاضای خود را در این زمینه تکرار می کنیم.

آن حمله و شدند. ما ضمن دادن هشدار به مقامات مسئول استان سیستان و بلوچستان و سایر مسئولین مملکتی، مصرا نه از آنها می خواهیم که از فعالیت های مخرب این گروهکها، که هدفی جز ضربه زدن به انقلاب و دستاوردهای آن ندارند، جلوگیری کنند، و محرکین این توطئه ها را هرچه زودتر دستگیر و مورد پیگرد قانونی قرار دهند.

تصحیح

در شماره دیروز نامه «مردم» (۴۴۴) متأسفانه نام روستای زادگاه رفیق شهید مجروح نادری اشتباه چاپ شده است. نام صحیح روستای زادگاه رفیق شهید «بلداصبی» است.



...نوبت آمریکاست!

بامجازات مسبین حوادث کرمان، توطئه ضد انقلاب را

خشی کنید!

در پی ترور «علی فدائی» دبیر مسئولان کرم، عوامل ضد انقلاب و ستون پنجم امپریالیسم آمریکا، و علیرغم هشدارهای سازمان حزب توده ایران در کرمان مبنی بر حفظ آرامش، ضد انقلاب موفق شد در روز تشییع جنازه «علی فدائی» شهر را به آشوب و تشنج بکشد. این حادثه منجر به کشته شدن ۲ نفر و بجای ماندن حدود صد مجروح شد.

صبح شنبه ۱۸ بهمن ۵۹ جمعیت کثیری برای تشییع جنازه «علی فدائی» گرد آمدند. متأسفانه گروهی از دانش آموزان تحت تأثیر شعارهای انحرافی موجبات اغتشاش وسیعی را در کرمان فراهم کردند و به گروهبانهای

ماوئیستی - آمریکایی «بیکار» «توچیر» و لیبرالها و هواداران «بقائی» و «مدنی» امکان دادند، تا زیر پوشش «دفاع از آزادی» از جو موجود در کرمان سوء استفاده کنند و به انقلاب ایران افترا و توهین روا دارند. با کمال تأسف هواداران یکی از سازمان‌هایی که قاعدتا باید در کنار نیروهای راستین خلق باشد، نیز به تشدید این تشنج کمک کردند. در فرای این حادثه، گروهی از فرهنگیان در اداره آموزش و پرورش گرد آمدند، ولی این تجمع نیز با حمله گروهی به اداره آموزش و پرورش و درگیری در چند نقطه کرمان مصادف گردید. در چهار راه کاظمی این شهر هم، که عده‌ای از مردم

کمبود روغن اتومبیل را هر چه زودتر رفع کنید

با عث خرابی موتور تلمبه‌ها و کامیونها میشود. در این روزها که حواله ۴۰ لیتری روغن به رانندگان داده میشود، حتما باید نوع این روغنها (دیزلی یا بنزینی) و درجه (۱۰ - ۴۰ - ۴۰ - ۴۰) آنها کنترل شود، چون به علت در نظر نگرفتن اصول ایمنی موتورها و نبودن روغن سالم برای اتومبیلها، بیشتر دهقانان و رانندگان از این روغنها قلابی استفاده می‌کنند. در نتیجه خطر نابودی کلیه این موتورها وجود دارد. این خطر بخصوص در بهار و

کمبود روغن اتومبیل در بازار، یکی از مشکلات رانندگان ماست، که کار حمل و نقل کالاها و اجناس را کند می‌سازد. گزارش خبرنگار ما در این زمینه حاکیست که: «از کمبود روغن، عده‌ای سودجو استفاده می‌کنند و روغنها قلابی (مخلوط واسکازین و گازوئیل) را بنام روغن ماشین، لیتری هم ۴۰ تومان می‌فروشند، در حالی که اغلب تلمبه‌ها و کامیونها باید روغن دیزلی، که دارای ترکیب شیمیایی مخصوص است، مصرف کنند. مصرف روغنها قلابی

شوخی نیست...!

فریدون تنکابنی

برگ سبز

همچنین سوگند یاد کنند که با دوستان عمو سام، دوست و با دشمنان او دشمن باشد. و هر که خواهد از حلقهٔ بندگی عمو سام بیرون رود، بر او پرچسب «کونیست» زند، و همگان را در هر حال، با خروش و جنجال، از «خطر کمونیسم» بر حذر دارد و خلق را از راه چپ انقلاب، به راه «راست» لیبرال هدایت کند، و بکوشد تا ساکنان کشتی انقلاب به دست آورد و مسیر آن را با قطب‌نمای عمو سام «میزان» کند.

پس از ادای سوگند و سپری کردن آداب و تشریفات، لیبرال برگ‌سبز به دست آورد و به بندگی عمو سام، مقتخر و مباحی شود.

گویند که از میان رنگهای گوناگون، سبز و سپید و «سبیا» و زرد طلایی، لیبرال را بسیار خوش آید و از رنگ سرخ بیزار باشد.

روایت کنند که روزگاری در بلاد عجم، اصحاب برگ‌سبز را کارچنان به کام شد که به وزارت و صدارت رسیدند و زمام امور قبضه کردند و خواستند که «کام» به کام، از خط امام بیرون شوند و به سوی عمو سام روند. اما دولت‌شان، دولت مستعجل بود. خروش خلق سراسیمه‌شان کرد و ایشان را از پای درآورد. به سردرآفتابند و فغان و فریاد بسیار برآوردند و ناله «آزادی، آزادی» سردادند و کینهٔ خلق به دل گرفتند. اما نه در دست‌شان قدرتی که با خلق ستیزند و نه در پا توانی که نزد عمو سام گریزند. لکن به جای آن که سرخچلت به گریبان فروربند و دم درکشند، فریاد کردند و غوغا برآوردند، چرا که لیبرال را روی همچون سنگ‌پای قزوین سخت و سفت باشد و سهل و آسان از میدان به در نرود.

گویند خواجه علی بن ایزدی شیرازی، آنکاه که بی‌تاب و بی‌قرار در انتظار وصول برگ سبز بود، این ابیات را از سوز دل می‌سرود و آن‌دم که بر سر سجاده، رو به غرب نشسته بود، با زاری بسیار، مناجات‌وار زیر لب زمزمه می‌کرد: برگ‌سبزم بده ای دوست که شادان بروم، از درت خوشدل و سرمست و غزل‌خوان بروم، از غم دوریت ای یار رخ زرد شده‌ام، برگ‌سبزم بده تا سرخوش و خندان بروم. گرچه باشد ز سرخم به کف و سیم سپید، گر مرادم ندهی، همچو گدایان بروم. آمدم تا تو، به کارم سروسامان بدهی، گر عنایت نکنی، بی‌سرو سامان بروم. نام هر چند ز ایزد بودم، ناچارم برگ سبزی طلبم، در گه شیطان بروم. برگ‌سبزم بده ای قبلهٔ آمل و امید ندهی، غمزه و دلخور و گریان بروم. برگ‌سبزم بده و اذن دخول فرمای، تا به سوی وطن تازه، شتابان بروم چون دل و جان مرا هست هوای زر و سیم، سوی سلطان طلا، از دل و از جان بروم. ینگه دنیا وطن تازه من باشد و من رخت بر بندم و از کشور ایران بروم. تا در اینجام، بر از غصه و نامیزانم ای خوش آن‌دم که رها کردم و «میزان» بروم.

می‌بخشید که به خاطر وجود نیم میلیون دلار ناقابل، وزن مصرع دوم کمی سنگین شده است!

برگ‌سبز، که به لسان ینگه دنیا آن را «گرین کار» و به تازی «دورقه‌الغضراء» گویند، کاغذ کوچکی است که از آن کارهای بزرگ آید و منافع بشمار زاید. معجزه‌ها کند و خواص بسیار دارد.

لیبرال همه عمر در حسرت به دست آوردن آن باشد و در هوای آن، آسرد از دل پرورد برآورد. برگ‌سبز مفتاح ورود به بهشت لیبرال، یعنی ینگه دنیا، باشد.

به دست آوردن برگ‌سبز را، لیبرالان نامه‌های پرسوز و گداز به کارگزاران عمو سام نویسند و خواهش‌ها و زاری‌ها و التماس‌ها کنند. رقبه‌ها نکارند و سر بر آستان جاسوسخانه گذارند و اشک حسرت از مژه‌ها ببارند، باشد که برگ‌سبز به دست آرند.

از سرسپردگی و وفاداری خود داستانها سر- دهند و از مال و مکتب خویش روایت‌ها کنند. لیبرال بنام، بندهٔ عمو سام، که نام ایزدین خود داشت، اما به بندگی شیطان بزرگ فخر می‌کرد و از دوری او آه می‌کشید، در پایان رقبه پلمتسانهٔ خویش، این بیت درج کرده بود:

برگ‌سبزی است خواهش «درویش» چه کندینو همین نیم میلیون دلار ناقابل را دارد. گویند که برگ‌سبز هر کس را ندهند و این تاج اقتدار، بر هر سری نهند، آن که خواهد این فخر به دست آورد، باید به صفات عدیده موصوف و متصف باشد.

نخست آنکه لیبرالی باشد ثابت قدم، که ینگه دنیا را مراد و مقتدای لیبرالان جهان داند و طریق زندگی ینگه دنیا را بهترین راه‌روسم زندگی شمارد و در رواج آن کوشد. همواره سر بر آستان بت بزرگ سرمایه‌سازد، بتی که ساده لوحان به غلط آن را مجسمهٔ آزادی خوانند و نشان وجود آزادی در آن دیار دانند.

لیبرال باید که سالها در ینگه دنیا بسر برد و خون دل خورد، تا آنجا که پارسی را نیز به لهجهٔ غلیظ ینگه دنیا بی تکلم کند. پس شایسته اعتماد عمو سام شود و برگ‌سبز تواند به دست آورد.

در این حال، قند در دل او آب شود و از شادی در پوست خود نکتند و با دم خویش گردو شکند و کلاه خویش بر هوا افکند و یانکی‌وار «یوهو» گوید. لیبرالی که «گرین کار» به دست آورد، خود را برتر از مسلمانی داند که به زیارت خانهٔ خدا نائل آید.

اعطای برگ سبز را، آداب و تشریفات است فراوان. نخست آن که لیبرال باید نقدیته به خزینه سپارد و مال و مکتب خود را گواه آورد. دوم آنکه مقابل پرچم ینگه دنیا زانو زند و سر خم کند و گوشه پرچم را با احترام بسیار بدست گیرد و با خضوع و خشوع فراوان بر لب برد و بر آن بوسه زند.

سه‌دیگر آنکه سوگند یاد کنند که بندهٔ سر به راه و فرمانبردار عمو سام باشد و هر چه او فرماید، کند، و بکوشد تا نام عمو سام در جهان به نیکی بر آوازه سازد و کیسهٔ او از مال و ثروت خلق جهان بینبارد، تا از این طریق، به رسم تشویق، خرده‌ریزه‌های نیم میلیون دلاری نصیب او نیز شود.

کمک‌های نظامی آمریکا به رژیم السالوادور

السالوادور کمک رساننده است. هزاران تن از کارشناسان و مستشاران امریکا مستقیما در عملیات سرکوب علیه میهن-دوستان السالوادور شرکت دارند.

طبق گزارشهای مطبوعات، تنها طی دو هفته زمامداری ریگان، دولت آمریکا معادل ۸۵ میلیون دلار اسلحه و تجهیزات جنگی به رژیم ضد خلقی و دیکتاتوری

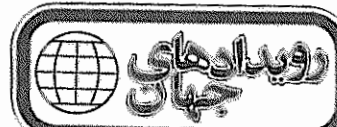
افغانستان آماده حل و فصل مسائل خود با کشورهای همسایه است

کارمل در پیامی به دهلنو اظهار امیدواری کرد که ابتکار افغانستان در مورد حل و فصل مسائل با همسایگان، از حمایت کشورهای غیر متعهد برخوردار شود. رهبر افغانستان اطمینان داد که این کشور آماده است هر گونه پیشنهاد متقابل را با حسن نیت مورد بررسی قرار دهد.

بیرک کارمل، رهبر افغانستان، یکبار دیگر از همسایگان این کشور خواست که برای حل و فصل مسائل با افغانستان وارد گفتگو شوند.

کمک مالی به حزب توده ایران!

ایرانیان الف از چالوس ۱۰۰۰ ریال
م.ن از چالوس ۹۰۰ ریال
م (از اولین حقوق) از ساری ۵۰۰۰ ریال
هواداران حزب در شیرگاه ۱۰۰۰ ریال
هواداران حزب در کیاکلا ۱۰۰۰ ریال
کیهان از تهران ۱۰۰۰۰ ریال



پارلمان لهستان تغییرات در هیئت دولت لهستان را تایید کرد

یارودنسکی، نخست‌وزیر جدید لهستان، پس از تصویب کابینه ری در پارلمان لهستان، اظهار داشت: «دولت وظیفه خود میداند که از منافع مردم کشور دفاع کند و قدرت آنرا دارد تا راه را بر ضد انقلاب سد کند.» رئیس دولت جدید لهستان از اتحادیه‌ها و همه‌زحمتکشان کشور خواست که تا ۹۰ روز از اعلام هرگونه اعتصابی خودداری کنند، تا از این فرصت برای حل مسائل مردم اقتصادی و اجتماعی استفاده شود. یارودنسکی در مورد سیاست خارجی لهستان اظهار داشت: «لهستان همچنان به پیمان ورشو وفادار خواهد بود و عزم راسخ دارد که روابط دوستی و همکاریهای خود را با دیگر کشورهای سوسیالیستی گسترش دهد.»

دولت موریس خواستار بازگرداندن جزایر

شیوساکورا اولان نخست‌وزیر کشور موریس اظهار داشت که دولت وی کوشش خواهد کرد، تا با کمک سازمان وحدت آفریقا و سازمان ملل متحد، جزایر دیکوگاریا در اقیانوس هند را که به بزرگترین پایگاه نظامی دریایی آمریکا تبدیل شده است، به کشورش بازگرداند.

نخست‌وزیر موریس در پایان دیدار خود از انگلستان و گفتگو با بانو، تاجر نخست‌وزیر انگلستان، در یک مصاحبه مطبوعاتی مسئله بازگرداندن دیکوگاریا به کشورش را عنوان کرد. در این مصاحبه مطبوعاتی نخست‌وزیر موریس اظهار داشت:

«جزایر دیکوگاریا متعلق به موریس است که انگلستان آنرا از این کشور جدا ساخته و آنرا به دولت آمریکا اجاره داده است. این اجسزیره اکنون

نامه مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بوزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 445
16 February 1981

Price:	
West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۱۳۵۵۹، متعلقه ۱۴ پستی تهران